

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جامعه شناسی (۲)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

جامعه‌شناسی (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۲

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

اصغر اسلامی تنها، علی انتظاری، حمید پارسانیا، حسین سوزنچی، محمدتقی عینی‌زاده، لطیف عیوضی، محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم الهی، عبدالحسین کلانتری، محسن لب خندق، محمد مهدی ناصری، شهلا باقری، الدوز تبریزی، ربابه فتحی و فهیمه میرصانع (اعضای شورای برنامه‌ریزی) - آریتا بیدقی، حسین تاجیک نوری، فریبا فتحی، سولماز فیض‌اله زاده، محمدشریف متولی الموتی و علی نوری (همکاران شورای برنامه‌ریزی)

نصرالله آقاجانی، حمید پارسانیا، الدوز تبریزی، لطیف عیوضی، ربابه فتحی، نعمت‌الله کرم‌الهی، شمس‌الله مریجی، فهیمه میرصانع، سید محمدحسین هاشمیان (اعضای گروه تألیف)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (نگاشتارگر
اطراح گرافیک، طراح جلد) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) - بهناز بهبود، فریبا سیر،
نوشین معصوم‌دوست، رعنا فرج‌زاده درونی، مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان
۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ اول ۱۳۹۶

نام کتاب:

پدیده‌آورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۸۱۵-۰

ISBN: 978-964-05-2815-0



انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است. ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله فراهم شود: من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستنی باشد و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان.

امام خمینی علیه السلام

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

۱.....	فصل اول: فرهنگ جهانی
۲.....	اهداف فصل اول
۳.....	■ درس اول: جهان فرهنگی
۱۱.....	■ درس دوم: فرهنگ جهانی
۱۹.....	■ درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱
۲۷.....	■ درس چهارم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲

۳۵.....	فصل دوم: فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی
۳۶.....	اهداف فصل دوم
۳۷.....	■ درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب
۴۶.....	■ درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب
۵۶.....	■ درس هفتم: جامعه جهانی
۶۵.....	■ درس هشتم: تحولات نظام جهانی

۷۵.....	فصل سوم: چالش های جهانی
۷۶.....	اهداف فصل سوم
۷۷.....	■ درس نهم: جهان دو قطبی
۸۵.....	■ درس دهم: جنگ ها و تقابل های جهانی
۹۳.....	■ درس یازدهم: بحران های اقتصادی و زیست محیطی
۱۰۰.....	■ درس دوازدهم: بحران های معرفتی و معنوی

۱۰۷.....	فصل چهارم: بیداری اسلامی و جهان جدید
۱۰۸.....	اهداف فصل چهارم
۱۰۹.....	■ درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی
۱۱۷.....	■ درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطف بیداری اسلامی
۱۲۶.....	■ درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی
۱۳۸.....	■ منابع

سخنی با دانش آموز

باسمه تعالی

دانش آموزان عزیز

با سلام و تحیت

بی شک آینده ایران و اسلام در گرو وضعیت علوم انسانی و وضعیت علوم انسانی نیز مرهون کم و کیف کوشش شما در رشته ادبیات و علوم انسانی است! جامعه‌شناسی یکی از دروس این رشته می‌باشد که در آن تولید، تداوم و تغییر پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این کتاب، کلان‌ترین پدیده اجتماعی یعنی «نظام جهانی» بررسی می‌شود. اثرگذاری نظام جهانی بر زندگی افراد، گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها و اثرپذیری آن از این عوامل به خوبی نشان می‌دهد که چرا باید این پدیده مورد مطالعه قرار گیرد. کتاب حاضر در چهار فصل و پانزده درس تنظیم شده است.

فصل اول به مفاهیم «جهان فرهنگی» و «فرهنگ جهانی» می‌پردازد و به برخی از فرهنگ‌هایی که گسترش جهانی پیدا کرده‌اند، به ویژه اسلام و غرب جدید اشاره می‌کند.

فصل دوم چگونگی شکل‌گیری فرهنگ جدید غرب و نظام جهانی برآمده از آن را بررسی می‌کند.

فصل سوم به چالش‌ها و بحران‌های نظام جهانی می‌پردازد.

و فصل چهارم خیزش فرهنگی - تمدنی جهان اسلام برای عبور از چالش‌های جهانی و فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی بیداری اسلامی را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

استفاده مطلوب از کتابی که در دست دارید، مستلزم حضور فعال و خلاق شما در موقعیت‌های یاددهی - یادگیری آن در بیرون و درون مدرسه و بهره بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند تمام کسانی است که با آنها تعامل دارید. تلاش کنید تا با همدلی و همراهی با دوستان و دبیران خود در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی‌ها، فعالیت‌هایی در کتاب گنجانده شده است:

هر درس به دو یا سه بخش تقسیم شده است. هر درس، هر بخش و همچنین هر فصل مقدمه‌ای دارد. این مقدمه‌ها نشان می‌دهند که هر فصل، درس یا بخش به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است. پرسش‌ها مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود به آن‌ها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ‌های اولیه خود را با پاسخ‌های کتاب مقایسه کنید و برای عمق بخشیدن به پرسش‌ها و پاسخ‌ها تلاش نمایید.

در هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «ببیندیشید» و... وجود دارد. این فعالیت‌ها را با نظارت و هدایت دبیران محترم انجام دهید تا بتوانید:

یافته‌های خود را در هر بخش تحکیم و تثبیت کنید یعنی همان یافته‌ها را به گونه‌ی دیگری دریافت کنید. یافته‌های خود را عمق ببخشید و برداشت عمیق‌تری از موضوع یا مسئله مورد بررسی به دست آورید. یافته‌های خود را وسعت ببخشید و برداشت وسیع‌تری از موضوع یا مسئله مورد بررسی کسب کنید.

«بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعه به کتاب‌های کمک درسی غیر مفید از کتاب‌های غیردرسی مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های علما و اندیشمندان شریک شوید. «ببینیم و بدانیم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم خوب می‌تواند منبع مفید و مفرح دانش باشد.

تصویرها، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس‌ها هستند و شما را برای رسیدن به اهداف درس یاری می‌رسانند. در آنها تأمل کنید، آنها را نقد و ارزیابی کنید و اگر علاقه‌مند بودید تصویرهایی که مناسب می‌دانید به ما پیشنهاد دهید.

صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری را کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا ببخشید. ارزشیابی این درس، به دو شکل ارزشیابی مستمر و ارزشیابی پایانی صورت می‌گیرد.

ارزشیابی مستمر شامل موارد زیر است:

حضور فعال و پر شور در کلاس و شرکت در بحث و گفت‌وگوهای کلاسی

انجام فعالیت‌های آموزشی درون و بیرون کلاس

همکاری در کارهای گروهی

انجام فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها، خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری

پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی از تمام کتاب از جمله «بخوانیم و بدانیم»

ارزشیابی پایانی در پایان هر نیم سال به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود. این ارزشیابی

از تمامی کتاب به جز «بخوانیم و بدانیم» و «ببینیم و بدانیم» صورت می‌گیرد.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

فصل اول

فرهنگ جهانی



در سفر گاهی عجله می‌کنیم و از زیبایی‌ها و ظرافت‌های راه غافل می‌شویم؛ گاهی چنان سرگرم پیچ و خم‌های راه می‌شویم که از مقصد می‌مانیم. در فرایند یاددهی - یادگیری نیز گاهی موضوع آن قدر کلی، مختصر و کوتاه می‌شود که از آن سر در نمی‌آوریم؛ در مقابل گاهی جزئیات موضوع آن قدر مفصل و طولانی می‌شود که با سرگرم شدن به آنها از مطالب اصلی باز می‌مانیم. اگر می‌خواهیم چنین نشود باید همواره جزئیات و کلیات موضوع را در ارتباط با هم ببینیم. موضوع کتاب حاضر، نظام جهانی یا زندگی اجتماعی در سطح جهان است. فصل اول، تصویری کلی از موضوع ارائه می‌کند و در فصل‌های بعد، با جزئیات آن بیشتر آشنا می‌شوید. با ما همراه شوید.

● اهداف فصل اول

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. چگونگی تمایز و تعامل جهان‌های تکوینی، ذهنی و فرهنگی را تشریح کند؛ به نقش خود در اثرگذاری بر جامعه، فرهنگ، طبیعت و ماوراءطبیعت و همچنین اثرپذیری از آنها آگاهی یابد و همواره برای اصلاح و بهبود روابط خود با این عرصه‌ها تلاش نماید.

۲. به تصویردقیقی از مفهوم فرهنگ جهانی دست یابد؛ بداند که همه فرهنگ‌ها ظرفیت و ادعای جهانی‌شدن ندارند و برای فرهنگ‌هایی که از ظرفیت لازم برخوردار نیستند ولی با اعمال سلطه از مرزهای قومی و گروهی خود فراتر می‌روند و جهان را عرصه برخورد‌ها و تقابل‌های ویرانگر می‌سازند، نمونه بیاورد.

۳. فرهنگ جهانی مطلوب یا عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی را بشناسد و بر مبنای آن، توان نقد و ارزیابی فرهنگ سلطه را به دست آورد؛ نسبت به گسترش فرهنگ سلطه در دنیا حساسیت کافی پیدا کند؛ مقاومت در برابر اشکال گوناگون فرهنگ سلطه را وظیفه خود بداند و درباره راه‌های مقابله با آن کنکاش نماید.

۴. به ظرفیت دین اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی مطلوب پی ببرد و به شکوفایی این ظرفیت علاقه‌مند گردد؛ مراحل تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های اسلام را بشناسد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های هر مرحله را تحلیل کند و در حد توان خود برای رفع موانع پیش روی گسترش فرهنگ اسلامی راهکار ارائه کند.



کشتی باجوچه در اسفراین

درس اول

جهان فرهنگی

به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه با توجه به آنچه در سال‌های گذشته خواندید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید. برای هر گروه یک «دبیر جلسه» و یک «نماینده» انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصه گفت و گوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نماینده هر گروه دست‌نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

● تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی در چیست؟

● سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟

● فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟

● هویت جهان اجتماعی بیشتر متأثر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) است یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟

نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق در مورد ارتباط مباحث هر گروه با یکدیگر گفت و گو کنند، نتیجه و چکیده بحثشان را ارائه نمایند و با راهنمایی دبیر کلاس آن را بازبینی کنند.

هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ از انسان و جهان را می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می‌کنند.

پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

● هستی‌شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟

● انسان‌شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟

● معرفت شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟ پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود می‌نگریم با پدیده‌های بسیار متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در منظومه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این منظومه‌ها رابه دلیل اهمیتشان «جهان» می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید مربوط به این جهان است. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟

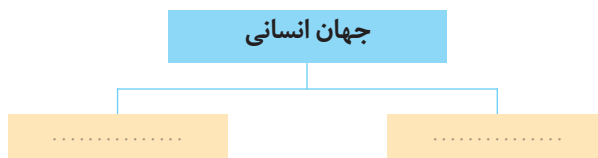
جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود؛
بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.



■ بخش فردی جهان انسانی

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. قبلاً دانستید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.
از این رو از بخش فردی جهان انسانی به جهان ذهنی و از بخش اجتماعی آن به جهان فرهنگی نیز یاد می‌کنند.

نمودار زیر را تکمیل کنید.



وقتی فردی درباره مسئله‌ای خاص می‌اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود به سر می‌برد ولی هنگامی که اندیشه خود را به صورت گفتار یا نوشتار بیان می‌کند یا بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به محدوده اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوعی خاص از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد پدید می‌آورد و به همان نوع، اجازه بروز و ظهور می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز جویای فرهنگی متناسب با خود است.



■ ورود اندیشه فردی به حوزه فرهنگ

گفت و گو کنید

درباره راه‌های ورود یک اندیشه فردی به حوزه فرهنگ گفت و گو کنید.

جهان تکوینی

می‌دانیم که تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می‌توانید برخی از این پدیده‌ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان انسانی می‌توان از جهان دیگری نام برد که از آن به جهان تکوینی یاد می‌شود. این جهان، پیش از انسان و مستقل از خواست و اراده انسان وجود دارد. جهان تکوینی شامل چه بخش‌هایی است؟

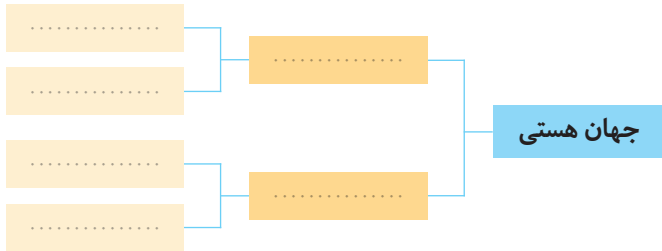


■ جهان هستی و بخش‌های مختلف آن

برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. این گروه طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند و با تقسیم جهان انسانی به دو جهان ذهنی و فرهنگی از سه جهان سخن می‌گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.

متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. نزد آنان جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است. آنها جهان تکوینی را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

با توجه به جهان‌هایی که تاکنون از آنها سخن گفتیم، نمودار زیر را تکمیل کنید.



تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

بین جهان‌های مختلف رابطه و تعامل وجود دارد. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و چگونگی رابطه و پیوند آنها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟



■ تناسب و هماهنگی جهان ذهنی و جهان فرهنگی. خانه شیشه‌ای؛ حیازدایی از خانه در معماری نوین

دیدگاه اول: برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند و جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند. در این دیدگاه ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. این گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. در این باره، در آینده مطالب بیشتری خواهید آموخت.

دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. این گروه جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند و جهان تکوینی را نیز ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

دیدگاه سوم: رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند. شما کدام یک از دیدگاه‌ها را صحیح می‌دانید؟ فکر می‌کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می‌کند؟

در نگاه قرآنی، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست، ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و مشیت خداوند سبحان، رفتاری حکیمانه با افراد و جوامع انسانی دارد.

قرآن کریم علاوه بر آنکه برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید، جهان فردی اشخاص را نیز نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

از منظر قرآن هرگاه انسان، اخلاقی الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگی توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها باز می‌مانند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.



■ حماسه حسینی، حماسه‌ای مقدس با مصائب فراوان که آثار و برکاتش بی‌پایان ساری و جاری است.

بخوانیم و بدانیم

برخی دیدگاه‌ها، مانع شناخت صحیح انسان و جهان هستی می‌شوند. اگر انسان از خویشتن و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی و شکوفایی استعدادهای خویش در می‌ماند. قرآن کریم از باورها و اعمالی که مانع دستیابی انسان به حقیقت خویش و جهان هستی می‌شوند، به اغلال و سلاسل یاد می‌کند. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.



■ با گرم شدن کره زمین، نه فقط طبیعت به مخاطره افتاده است بلکه پیش بینی می‌شود که در سال‌های آینده شهرهای بسیاری از جمله لندن و فلوریدا در آب فرو روند.

بیندیشید

– وضعیت امروزی محیط زیست، محصول چه باورهایی درباره انسان و طبیعت است؟
– برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ۴۱ سوره روم، آیه ۹۶ سوره اعراف، آیه ۲۷۶ سوره بقره و ... از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان اجتماعی و فرهنگی سخن می‌گویند. نمونه‌های این تعامل را در این آیات بیابید.

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

جهان فرهنگی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

– بخش اجتماعی جهان انسانی هویتی فرهنگی دارد و از آن با عنوان جهان فرهنگی یاد می شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید..

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود پرسید این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است.



فرهنگ جهانی

درس دوم

فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان در یک سرزمین واحد، فرهنگ‌های متفاوتی، پدید می‌آیند و در زمان واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. برخی از فرهنگ‌ها عمری کوتاه دارند و برخی مدتی طولانی دوام می‌آورند. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این‌گونه‌اند؛ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این‌گونه نیستند.

در سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی شکل گرفته‌اند؟ چه عناصری از این فرهنگ‌ها باقی مانده است؟



■ فرش بازریک، کهن‌ترین فرش دنیا؛ اثری ایرانی هخامنشی



■ تداوم عنصر فرهنگی در گذر زمان

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

قبلاً دانستید که فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آنها برمی‌گردد. یعنی روح و شالوده فرهنگ‌ها متنوع است. فرهنگ‌ها از نظر گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متنوع‌اند. این آموخته‌ها، زمینه‌ای برای پاسخ به پرسش‌های زیر فراهم می‌کند. فرهنگ جهانی چیست؟ چرا برخی از فرهنگ‌ها جهانی می‌شوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنه جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها ناظر به قوم و منطقه خاصی است از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.



■ برخی فرهنگ‌ها ظرفیت جهانی شدن ندارند.

در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دوگونه‌اند: گونه نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی است. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند؛ یکی از این دو منطقه مرکزی و دیگری پیرامونی است. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد. فرهنگ صهیونیسم بین‌الملل و فرهنگ سرمایه‌داری دو نمونه از این گونه‌اند. آیا می‌دانید صهیونیسم چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی دارد؟ صهیونیسم آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند و با رویکرد دنیوی و این جهانی خود، دیگران را در خدمت این نژاد به کار می‌گیرد.



■ شهرک سازی یهودیان در فلسطین

در مورد فرهنگ سرمایه‌داری چه می‌دانید؟ سرمایه‌داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون و حاشیه آن به خدمت می‌گیرد. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است. گونه دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

گفت‌وگو کنید

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد. درباره نمونه‌های تاریخی فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها با هنجارها و رفتارهایشان سازگار نیست، گفت‌وگو کنید.

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی هایی دارد؟

«هرکس، فردی را بی آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد، بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است» (مائده: ۳۲)

«تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد»
(صائب تبریزی)

«هم‌زبانی» خویشی و پیوندی است
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
همدلی از هم‌زبانی بهترست
غیرنطق و غیر ایما و سجل
صد هزاران ترجمان خیزد زدل»
(مولوی)

«نه افغانیم و نی ترک و تتراریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
چمن زادیم و از یک شاخساریم
که ما پروردهٔ یک نوبهاریم»
(اقبال لاهوری)

به نظر شما وجه اشتراک مطالب بالا چیست؟ عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آنها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود. آیا می‌توانید به برخی از ارزش‌های عام و جهان‌شمول اشاره کنید؟

- تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ‌گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت چه وضعیتی پیدا می‌کردیم. در چه صورتی یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.
- آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داد. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهای ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی است و از نیازهای ابدی و معنوی انسان چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار باشد.



● در چه صورتی می توان مانع قطبی شدن جهان و بهره کشی ظالمانهٔ برخی، از برخی دیگر و در نتیجه مانع پایمال شدن حقوق انسان ها شد؟ چگونه می توان از تفرقه بین جوامع و تباہ ساختن منابع و امکانات بشر، پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان شمول عدالت و قسط است که فرهنگ جهانی باید در لایه های مختلف خود به آن معتقد و پایبند باشد. «آسمان ها و زمین با عدالت پابرجا می مانند.»

● برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی اش می شوند و زمینه ظلم بر او را فراهم می کنند. فرهنگ جهانی باید حریت و آزادی انسان از این قید و بندها را تأمین نماید. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امر دیگری است. به این پرسش ها براساس ارزش های جهان شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می شود، معنای آزادی مشخص می گردد.

● برخی فرهنگ ها رویکرد جبرگرا و غیرمسئول دارند. فرهنگ های جبرگرا منکر نقش انسان ها در تعیین سرنوشتشان می باشند، قدرت مقاومت را از آدمیان می گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می کنند و زمینه نفوذ سلطه گران را فراهم می آورند.



■ در فرهنگ های جبرگرا انسان ها در تعیین سرنوشت خود دخالتی ندارند.



■ تلاش در جهت سازندگی؛ پیشبرد و اعتلای فرهنگ



■ پدر آموزش ایلات و عشایر؛ محمد بهمن بیگی
«اینک شما را به قیام مقدس دعوت می‌کنم. قیام برای
باسواد کردن مردم ایلات»

فرهنگ جهانی باید روح تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد. فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛ - ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد. - بشر علاوه بر پرسش‌های بنیادین، با شرایط تاریخی مختلفی مواجه می‌شود که پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی ایجاد می‌کند. فرهنگ جهانی باید بتواند براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

بخوانیم و بدانیم

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و احترام به آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش این تفاوت‌ها در عین اینکه صلح جهانی را در برابر جنگ و خشونت پاس می‌دارد، انگیزه شناخت متقابل را فراهم می‌کند. «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم انسان‌ها از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار همدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

گفت و گو کنید

قبلاً از تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان‌شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

خلاصه کنید

– فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می کند و در پهنه جهان گسترش می یابد، فرهنگ جهانی است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم اساسی

فرهنگ جهانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس سوم نمونه های فرهنگ جهانی ۱

ابونصر محمد فارابی (۳۳۰ - ۲۶۰ هـ.ش) در گونه‌شناسی خود از جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعه «تغلب» می‌نامد. او در تعریف این نوع از جامعه می‌نویسد که در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همه مردم، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر شوند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر. چنین افرادی دوست دارند که بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند ولی از آنجا که مردم جامعه برای بقای خود، برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر بر خود، به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری نمایند.

چنین مردمی گمان می‌برند تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگرانند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برترند. مردم جوامع دیگر به نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شوند. این گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی رازنده می‌کند. همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کرده و چاپلوسی نمایند. گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به‌دست آورده‌اند، برسند و اصولاً ملل دیگر چنین سعادت‌ی را نمی‌شناسند.

آیا فارابی با این توضیح توانسته به شما بگوید که آرمان و ارزش اجتماعی برتر جامعه تغلب کدام است؟ آیا چنین فرهنگی در محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود باقی می‌ماند؟ اگر چنین فرهنگی در راه جهانی شدن قدم بگذارد چه آثار و نتایجی در پی دارد؟

جهان‌گشایی و امپراتوری

فرهنگ‌های بسیاری از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده‌اند. برخی از آنها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند. عملکرد فرهنگ سلطه در گذر تاریخ چگونه بوده است؟ نمونه‌های مختلف این فرهنگ کدام‌اند؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. در گذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده است. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و جهان‌گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد. جهان‌گشایی و امپراتوری، اغلب با کشتار و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است. اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید. مغولان برخی شهرها را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آنها را نیز نابود کردند.

بخوانیم و بدانیم

در نتیجه تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آن چنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به در برده و به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند، جواب داد: «آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند، اتفاق کردند که در پارسی موجز تر از این سخن نتواند بود.

(تاریخ جهانگشای جوینی)

آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟ در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف منجر می‌شود، اما همیشه بسط فرهنگی آنها را به دنبال نمی‌آورد.



■ سنگ‌نوشته به‌جامانده از سلوکیان به خط یونانی



■ آثار به‌جامانده از سلوکیان در ایران

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد می‌تواند گروه مهاجم را درون فرهنگ خود هضم نماید و ایشان را به‌خدمت گیرد.

ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند اما جهان‌گشایی آنان به جهانی شدن فرهنگشان منجر نشد.

مغولان نیز با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ مغولان، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های لازم را برای یک فرهنگ جهانی نداشت. آنان به‌سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند. به همین دلیل امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.



■ محراب الجایتو



■ سکه‌های دوره مغول منقوش به آیات قرآن



■ تصاویر مسجدالاقصی و قبة الصخره در حاشیه دامن وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی در جشنواره سینمایی کن. جهت تأکید بر این ادعا که بیت المقدس، پایتخت تاریخی و همیشگی اسرائیل به شمار می رود.



■ مسجد جامع النوری و مناره الحدباء، نماد شهر موصل با سابقه تاریخی ۸۰۰ ساله که توسط داعش منهدم شد.

تحلیل کنید

به نظر شما فرهنگ سلطه به دنبال چه نوع تأثیرات فرهنگی بر جوامع مغلوب است؟ چرا؟

امپریالیسم و استعمار

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است که از آن با نام هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده اند. درباره این دو واژه چه می دانید؟



■ استفاده یک آمریکایی از کودک افریقایی به جای صندلی



■ سربازان مزدور ارتش مستعمراتی فرانسه در آمریکا

واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود. امپریالیسم چه اشکال و انواعی دارد؟

امپریالیسم سیاسی از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد. امپریالیسم اقتصادی در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

امپریالیسم فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، فرو ریزد و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز بپذیرد.

استعمار بر اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در قرن نوزدهم، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید.



موفقیت‌های استعمار در این دوران ناشی از پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا، برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند. آنها در یک دوره پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.



■ بنای یابود تجارت برده در امتداد جاده بردگان در غرب کشور بنین که یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته می‌شدند.

بینیم و بدانیم

مستند «انگلیسی‌ها و تجارت برده» به بررسی تاریخ سیاه تجارت برده در انگلستان می‌پردازد. با تماشای این مستند به آثار و پیامدهای بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ، در اروپا و آفریقا پی می‌برید.

سلطهٔ جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطه نظامی محدود نشد بلکه به مرور اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانهٔ کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد. در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از ظرفیت‌هایی که در دورهٔ استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای نیل به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و همچنین کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی دو نمونه موفق از کودتاهای استعمار نو و کودتای امریکایی - انگلیسی نوژه، که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود، نمونه شکست خورده آن می‌باشد.

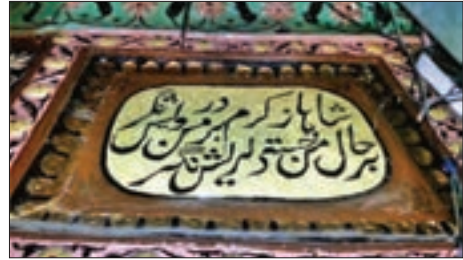


■ تبلیغات نستله در نیجریه

■ تبلیغات کوکاکولا در محلات فقیرنشین هند

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و همچنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

در استعمار فرانو بیش از آنکه از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.



■ زبان فارسی پیش از آنکه هندوستان مستعمره انگلستان شود، دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود. اما در سال ۱۸۳۶، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را به جای فارسی، زبان رسمی هند کردند.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار دارند. در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرانو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

جهان غرب در استعمار فرانو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و به جای آن، باورها و ارزش‌های فرهنگ غرب را تبلیغ و ترویج می‌کند.

مردمی که برتری مطلق فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جستجو می‌کنند و مسیری را که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند دنبال می‌نمایند. استعمار فرانو، گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان را در پوشش نام «جهانی شدن» پیگیری می‌کند.

گفت‌وگو کنید

– درباره مراحل گسترش سلطه غرب و وجه غالب هر مرحله (حضور آشکار، نیمه آشکار، پنهان و استفاده از ابزار متفاوت) تأمل کنید. آیا وجه غالب هر مرحله در مراحل دیگر وجود ندارد؟ و اگر وجود دارد نشان‌دهنده چیست؟

– مفاهیم تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... به کدام یک از مراحل استعمار مرتبط است؟ به نظر شما کشور ما برای مقابله با این شکل از استعمار چه ظرفیت‌هایی دارد؟



درس چهارم نمونه های فرهنگ جهانی ۲

اسلام دینی است که با دعوت فراگیر خود، تکوین یک فرهنگ جهانی را در دستور کار قرار داده است. اسلام، دین یک عصر و نسل خاص نیست. اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند. این اصول و ارزش‌ها مطابق با نظام آفرینش و موافق با فطرت آدمیان است بنابراین عقاید و ارزش‌های اسلامی به قوم و گروه خاصی تعلق ندارند بلکه خصلتی جهانی دارند. توحید، حکایت از خداوند واحدی دارد که خدای قوم و قبیله خاصی نیست؛ بلکه خداوند همهٔ آدمیان و پروردگار همهٔ جهان‌هاست. همهٔ موجودات از او پدید آمده و به سوی او باز می‌گردند. او عالم را حکیمانه آفریده و تدبیر می‌کند.

انسان در دیدگاه اسلام، موجودی مختار، مسئول، متعهد، دارای فطرتی الهی و خلیفهٔ خداوند در زمین است. سعادت و عزت انسان در تقرب و نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی است و شقاوت و ذلت او در نسیان و فراموشی حقیقت الهی خود و دیگر موجودات و هزینه کردن تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های الهی خود، برای زندگی محدود این جهان است. انسان مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در خشکی و دریاست.

عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است. پیامبران برای برانگیختن عقل آدمیان، اجرای عدالت و قسط، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیا و برای آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران، مبعوث شده‌اند. آنان برای رهایی آدمیان از زنجیرهایی آمده‌اند که انسان‌ها را به بندگی انسان‌ها و بت‌های انسان ساخته وادار می‌سازند. اسلام، مسلمانان را موظف به تلاش برای آزادی مستضعفان می‌داند و پیروزی

مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت دین حق را به همه بشریت نوید می‌دهد. توانمندی‌های اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی چیست؟ اصول و ارزش‌های فرهنگ جهانی مطلوب در آموزه‌های اسلامی چه جایگاهی دارند؟

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی

عقاید و ارزش‌های اسلامی چگونه به فرهنگ بشری وارد شدند و فرهنگ اسلامی در مراحل گسترش خود چه دوره‌هایی را پشت سر گذاشته است؟

عقاید و ارزش‌های اسلامی با پذیرش انسان‌ها به عرصه فرهنگ بشری راه می‌یابند و جلوه و نمود تاریخی پیدا می‌کنند. آیا می‌دانید عقاید و ارزش‌های اسلامی در تاریخ گسترش خود چه مرحله‌ای را پیموده‌اند؟



عصر نبوی: شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام، فرهنگ جاهلی قبیله‌ای داشت. شمال غربی شبه جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب شرقی آن تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود. در چنین شرایطی، خداوند سبحان، پیامبر خود را با آیات روشن‌گر برای تبلیغ توحید و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه بشری برانگیخت.

رسول خدا پس از سیزده سال دعوت و مقاومت در برابر فشارهای نظام قبیله‌ای عرب، حکومت اسلامی را تشکیل داد و طی ده سال حکومت، موانع سیاسی پیش روی اسلام در شبه جزیره عربستان را از بین برد. در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره به مدینه آمدند. پیامبر خدا در حالی رحلت نمود که نامه‌های دعوت خود را پیش‌تر به امپراتوری‌های ایران و روم فرستاده بود.

دوران خلافت: این دوران از زمان رحلت رسول خدا (ص) آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.



■ مسجد اموی در دمشق



■ مسجد جامع سامراء از مساجد مشهور دوره عباسیان

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام آشکارا مقاومت کرده بود و از آن پس، در پوشش نفاق خزیده بود. این ارزش‌ها در دوران خلافت، دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج اقتدار جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان بخشید. اما عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت‌های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت‌های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت. فرهنگ اسلامی، به دلیل قدرت و غنای خود، گروه‌های مهاجم بیگانه را نیز درون خود هضم و جذب می‌کرد و دست کم آنان را ناگزیر می‌ساخت تا برای استمرار و بقای خود در ظاهر از مفاهیم و ارزش‌های دینی استفاده کنند.



■ کاخ دلمه باغچه در استانبول، محل اقامت و مقر حکومت آخرین سلاطین عثمانی که در ساخت آن ۱۴ تن ورقه طلا به کار رفته است.

غلبه قدرت‌هایی مانند سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان، عثمانی و... که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کردند نیز مانع از آن می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به طور کامل آشکار شود.

بخوانیم و بدانیم

اسلام مواریث و آداب بی‌زبان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه‌ای ساخت. فرهنگ تازه‌ای که حدود و ثغور نمی‌شناخت و تنگ‌نظری‌هایی که دنیای سرمایه‌داری را به ملت‌ها، مرزها و نژادها تقسیم می‌کرد در آن مجهول بود. مسلمان از هر نژاد که بود؛ عرب یا ترک، سندی یا آفریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می‌نهاد، خود را در وطن و دیار خویش می‌یافت. همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری. اما بین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ. فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی و ... اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت؛ مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور و دهلی. زادگاه آن هم همه جا بود و هیچ جا. در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود، نه شرقی و نه غربی. با این همه، رشد و نمو آن در طی مدت سه - چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به یک معجزه شگرف می‌مانست.

(عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام)



■ پرتو فرهنگ اسلامی از مالزی تا اسپانیا

تحقیق کنید

کدام بخش از ارزش‌های اجتماعی اسلام با حاکمیت‌های قومی قبیله‌ای نادیده گرفته می‌شد. درباره نادیده انگاشتن ارزش‌هایی چون اخوت اسلامی، عدالت، تقوا، قانون‌گرایی، اتحاد، همبستگی و ... تحقیق کنید.

استعمار و بیداری اسلامی

در درس گذشته با استعمار غربی و صورت‌های مختلف آن آشنا شدید. فرهنگ اسلامی و استعمار غربی چگونه با هم مواجه شدند؟ استعمار غربی چه تأثیری بر فرهنگ اسلامی گذاشت و فرهنگ اسلامی با استعمار غربی چه برخوردی داشت؟



■ گسترش اسلام در کشورهای غربی

دوره استعمار: دولت‌های استعماری غربی، بخش‌های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطه سیاسی خود درآوردند و قدرت نظامی و صنعتی آنان، بیشترِ رجال سیاسی و دولتمردان جوامع اسلامی را مقهور خود ساخت.

قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیشتر ریشه در مناسبات قومی و قبیله‌ای داشت، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و این مسئله سبب شد تا استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآید.

تفاوت راهبردی استبداد تاریخی - قومی با استبداد استعماری در این است که استبداد قومی به رغم هویت غیراسلامی خود - به دلیل اینکه پشتوانه و عقبه‌ای خارج از جغرافیای جهان اسلام نداشت - از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌گزید و تلاش می‌کرد با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ نماید، اما استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.



■ به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ ه. ش، زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند.



■ تکیه دولت: بنایی که برای برگزاری مراسم ایام عاشورا و اجرای تعزیه به فرمان ناصرالدین شاه برپا شد.

عصر بیداری اسلامی: در مقابل نفوذ و سلطه فرهنگ غرب، مقاومت‌هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطه فرهنگ غرب و فراموشی فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد کردند.



■ امام موسی صدر از پیشگامان بیداری اسلامی



■ سید جمال‌الدین اسدآبادی از نخستین بیدارگران اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است. بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم^۱ (ملّی‌گرایی) یا مارکسیسم^۲ استفاده می‌کردند. این مکاتب علاوه بر اینکه وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌ساختند، مورد حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلام تربیت یافته بودند نیز قرار نمی‌گرفتند. امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام رقم می‌زند.



■ شیخ ابراهیم زاکزاک‌ی رهبر جنبش اسلامی نیجریه

- ۱- مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت و عناصر تشکیل دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را بیان می‌کند. بر این اساس صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری آرمان و ارزش اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود و هویت ملت‌ها را تعیین می‌کند و آنها را از سایر ملت‌ها جدا می‌سازد.
- ۲- تفکری است که عناصر اصلی آن از اندیشه‌های مارکس، فیلسوف و جامعه‌شناس انقلابی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم ساخته شده است. مارکسیسم، تنها راه‌هایی از نظام سرمایه‌داری و مصائب آن را انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) می‌داند.

ببینیم و بدانیم

فیلم‌هایی مانند محمد رسول الله ﷺ، عمرمختار، سربداران و معرف دوره‌ای از دوره‌های گسترش فرهنگ اسلامی است. با دیدن این فیلم‌ها و مقایسه آنها به نتایج خوبی دست پیدا می‌کنید.

تحقیق کنید

درباره تأثیرات صدسال اخیر ناسیونالیسم در جهان اسلام تحقیق کنید.

فصل دوم

فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی



در سال‌های گذشته دربارهٔ نسبت فرهنگ و جامعه مطالبی آموختید. آیا آنها را به یاد دارید؟ میان فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی نیز چنین نسبتی برقرار است. برای شناخت دقیق و عمیق نظام نوین جهانی و چگونگی پیدایش آن باید فرهنگ معاصر غرب را شناخت. باید دید، فرهنگ جدید غرب چه ویژگی‌هایی دارد، چگونه پدید آمد و چگونه از مرزهای تکوین خود فراتر رفت و به شکل‌گیری نظام نوین جهانی انجامید؟ از سوی دیگر، نظام نوین جهانی نیز زمینهٔ گسترش فرهنگ جدید غرب را فراهم آورده است. چگونه این نظام به مواجههٔ فرهنگ غرب با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منجر می‌شود؟ این مواجهه چه سرنوشتی را برای جهان رقم خواهد زد؟ فصل دوم کتاب، فرصت بررسی پاره‌ای از این پرسش‌ها را فراهم می‌آورد. مطالعهٔ دقیق و عمیق آن را از دست ندهید.

● اهداف فصل دوم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. باورهای بنیادین فرهنگ معاصر غرب را بشناسد و با عقاید بنیادین متناظر با هر کدام در فرهنگ توحیدی مقایسه کند؛ تأثیر این عقاید بنیادین را بر سطوح مختلف فرهنگ غرب شرح دهد و چگونگی عبور جهان غرب از مسیحیت و نهادینه شدن سکولاریسم در لایه‌های بنیادین فرهنگ معاصر غرب را تحلیل نماید.

۲. با تهیه روزنامه دیواری، نوشتن مقاله، ارائه گزارش علمی یا ... تفاوت حقوق طبیعی بشر و حقوق فطری الهی انسان را نشان دهد و با ارائه شواهد، آثار متفاوت این دو نوع نگاه به حقوق انسان‌ها را بیان کند و به احقاق حقوق انسان‌ها در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی علاقه‌مند شود.

۳. تفاوت حضور و فعالیت فرهنگ‌های مختلف را در نظام جهانی کهن و نوین تشریح کند؛ تأثیر فرهنگ غرب بر شکل‌گیری نظام نوین جهانی و مهم‌ترین تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این نظام را از زمان پیدایش تاکنون توضیح دهد؛ رویکردی واقع بینانه نسبت به غرب پیدا کند و توان مواجهه آگاهانه و فعال با فرهنگ غرب را به‌دست آورد.

۴. به سازوکار غرب برای گسترش و تعمیق جهانی فرهنگ غرب در سطح فرهنگ عمومی و نخبگان دیگر جوامع پی ببرد؛ برای دفاع از هویت فرهنگی جامعه خود انگیزه کافی پیدا کند و در این راستا تلاش نماید.



یک نقاشی مدرن در موزه لندن

درس پنجم باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب

در ادبیات فارسی با تمثیل و اهمیت آن آشنا شده‌اید. در علوم اجتماعی نیز برای شناسایی و معرفی پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان، آنها را به چیزهای آشناتری تشبیه می‌کنند. در درس اول از عقاید و ارزش‌های بنیادین فرهنگ به مثابه شالوده و روح فرهنگ یاد شد؛ یعنی اگر فرهنگ را به انسان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها همانند روح و هنجارها و نمادها و... به مثابه جسم آن هستند. اگر فرهنگ را به ساختمان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها همانند پی و شالوده ساختمان‌اند که همهٔ ساختمان به آن تکیه دارد. اگر فرهنگ را به درخت تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌های بنیادین مانند ریشه‌های آن هستند.

عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ، عمیق‌ترین لایه‌های آن فرهنگ را تشکیل می‌دهند. عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ در پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان پدید می‌آیند؛ یعنی همان پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه.

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. هنجارها، رفتارها و نمادهای مختلف غربی که در قالب رویکردهای مذهبی، فلسفه‌ها، مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف شکل گرفته‌اند، ریشه در باورها و ارزش‌های بنیادین این فرهنگ دارند. باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب کدام‌اند؟ غرب جدید به پرسش‌های اساسی بشر چه پاسخی داده است؟

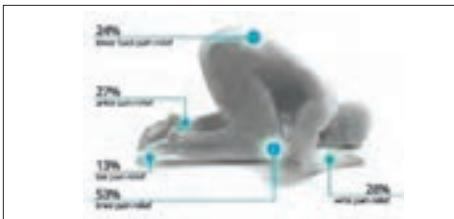
سکولاریسم و دنیوی گرایی

سکولاریسم، پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانه بشر است. به عبارت دیگر سکولاریسم، جهان‌بینی فرهنگ غرب یا تصور آن، از جهان هستی است. درباره سکولاریسم چه می‌دانید؟

سکولاریسم به معنای رویکرد دنیوی و صرفاً این جهانی به هستی است. در این رویکرد، همه ظرفیت‌های انسان، متوجه آرمان‌ها و اهداف دنیوی و این جهانی می‌شود. بدین ترتیب، ابعاد معنوی انسان و جهان به فراموشی سپرده می‌شود یا به صورت گزینشی در خدمت اهداف و نیازهای دنیوی قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان باور سکولار در فرهنگ غرب را به دو دسته «آشکار» و «پنهان» تقسیم کرد.

سکولاریسم آشکار: فلسفه‌ها و باورهایی را شامل می‌شود که به صراحت، ابعاد غیرمادی جهان هستی را انکار می‌کنند.

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت نظام دنیوی و این جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر سرباز می‌زنند. رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان «پروتستانتیسم» یاد می‌شود.



■ توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی؛ مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن



■ دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ

توجه به دنیا و زندگی دنیوی از دیرباز در فرهنگ‌های مختلف بشری وجود داشته است اما در فرهنگ غرب، این رویکرد در ابعاد مختلف علمی غلبه یافته است.

در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا هدف مستقلى نیست؛ بلکه خود وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد. اگر افرادی که در بستر فرهنگ دینی زندگی می‌کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می‌کنند و رفتار دنیوی خود را در

پوشش‌های معنوی پنهان می‌کنند اما در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است، به گونه‌ای که دین‌داران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را با تفاسیر دنیوی و این جهانی توجیه می‌کنند.

گفت‌وگو کنید

– در متن قبل، رفتار دنیاگرایانی که در جهان معنوی و دینی زندگی می‌کنند و دین‌دارانی که در جهان سکولار زندگی می‌کنند با هم مقایسه شده‌اند. با تأمل در این مقایسه، دربارهٔ نقش فرهنگ غالب در جهت‌گیری افراد گفت‌وگو کنید.

– آیا عقاید و رفتارهای دینی، آثار دنیوی ندارد و آیا بیان آثار دنیوی آنها اشکالی دارد؟ در چه صورتی پرداختن به آثار دنیوی عقاید و رفتارهای دینی مشکل‌ساز می‌شود؟

اومانیسیم و اصالت انسان دنیوی



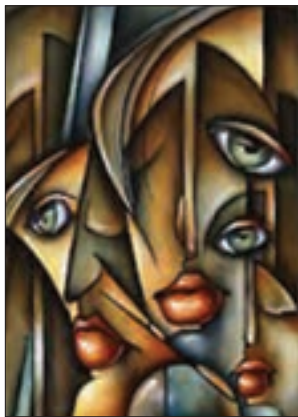
یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های بشری، پرسش از چیستی و کیستی خود انسان است. نگاه فرهنگ غرب به انسان چگونه است؟ این نگاه چه تأثیری در هنر، ادبیات و حقوق انسانی داشته است؟

اومانیسیم، مهم‌ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب است و به معنای اصالت انسان دنیوی و این جهانی است.

اومانیسیم از نتایج منطقی سکولاریسم است. اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمی‌تواند اصالت داشته باشد بلکه همهٔ موجودات و از جمله انسان، آیات و نشانه‌های او خواهند بود. در فرهنگ اسلامی، انسان به عنوان برترین آیت و نشانهٔ خداوند سبحان، خلیفهٔ او روی زمین است و به همین دلیل بر موجودات دیگر برتری و کرامت دارد. براساس قرآن کریم، کرامت و خلافت انسان هنگامی تحقق پیدا می‌کند که آدمی از محدودیت‌های دنیوی و این جهانی خود فراتر رود و هر چه می‌تواند به خداوند نزدیک‌تر شود. اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود شود، به گمراهی گرفتار شده و حیاتی حیوانی یا پست‌تر از آن دارد.

در فرهنگی که نگاه توحیدی ندارد، انسان موجودی صرفاً این جهانی است که مستقل از خدا، ارادهٔ تصرف در دیگر موجودات و تسلط بر آنها را دارد.

اومانیسم در ابعاد مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز و ظهور یافته است. هنر قرون وسطی، بر بعد معنوی و آسمانی انسان تأکید می‌ورزید و نقاشان، چهرهٔ اسوه‌های انسانی را در هاله‌ای از قداست ترسیم می‌کردند اما هنر مدرن، بر بعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تمرکز می‌کند.



■ هنر قرون وسطی بر بعد معنوی وجود انسان تأکید داشت اما هنر مدرن به بعد جسمانی وجود انسان توجه دارد.

بخوانیم و بدانیم

در ادبیات مدرن به سلوک‌های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجهی نمی‌شود بلکه به حالات روانی آدمیان در زندگی روزمرهٔ دنیوی و این جهانی پرداخته می‌شود، به همین دلیل، رمان در فرهنگ غرب، بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند.

حقوق انسان در فرهنگ دینی، مبتنی بر فطرت الهی انسان است و صورت معنوی و آسمانی دارد اما حقوق بشر بر مبنای اندیشهٔ اومانیستی است، صورتی دنیوی و این جهانی دارد و صرفاً براساس خواسته‌ها، عادت‌ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می‌گیرد.

در فرهنگ‌های دینی، آدمیان، ابعاد نفسانی و دنیوی خود را در سایهٔ ابعاد معنوی خویش پی‌می‌گیرند و اگر افرادی هواهای نفسانی خود را دنبال کنند، آن را به صورت آشکار و رسمی اظهار نمی‌کنند، بلکه نفس پرستی خود را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند؛ مثلاً فرعون از خواسته‌های نفسانی خود تبعیت می‌کرد و از دیگران می‌خواست تا از او پیروی کنند. او برای



■ تصویر فرعون، نقاشی‌های دیواری مصر باستان

توجیه رفتار و موقعیتی که داشت، خود را انسانی دنیوی و طبیعی معرفی نمی‌کرد بلکه خود را در زمرهٔ خداوندگاران قرار می‌داد و می‌گفت: «أنا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى؛ من پروردگار برتر شما هستم.» ولی انسان مدرن خواسته‌های دنیوی و این جهانی خود را بدون آنکه نیازی به توجیه الهی و آسمانی داشته باشد به رسمیت می‌شناسد. به همین دلیل اومانیسیم را می‌توان به فرعونیت آشکار ترجمه کرد.

بخوانیم و بدانیم

اعلامیهٔ حقوق بشر چون بر اساس احترام به انسانیت، آزادی و مساوات تنظیم شده و برای احیای حقوق بشر به وجود آمده، مورد احترام و تکریم هر انسان با وجدانی است. در دین اسلام انسان، حقوق انسان، آزادی و مساوات آنها نهایت ارزش و احترام را دارد. اما چون این اعلامیه یک متن فلسفی است و به دست بشر نوشته شده، هر فیلسوفی حق دارد آن را تجزیه و تحلیل کند و نقاط ضعفی را که در آن می‌بیند تذکر دهد. از نظر این اعلامیه، انسان به واسطهٔ کرامت و شرافت مخصوص به خود، دارای یک سلسله حقوق و آزادی‌ها شده است که سایر جانداران به واسطهٔ نداشتن آن حیثیت و شرافت و کرامت ذاتی، از آن حقوق و آزادی‌ها بی‌بهره‌اند. نقطهٔ قوت این اعلامیه همین است.

حالا باید پرسیم آن حیثیت ذاتی انسانی که منشأ حقوقی برای انسان گشته و او را از اسب، گاو، گوسفند و کبوتر متمایز ساخته چیست؟ و همین جاست که یک تناقض واضح میان اساس اعلامیهٔ حقوق بشر از یک طرف و انسان‌شناسی غرب از طرف دیگر نمایان می‌گردد.

در فلسفهٔ غرب سال‌هاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده است. سخنانی که در گذشته دربارهٔ انسان و مقام ممتاز وی گفته می‌شد و ریشهٔ همهٔ آنها در مشرق زمین بود، امروز در اغلب فلسفه‌های غربی مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرد. انسان از نظر غرب تا حدود یک ماشین تنزل کرده و روح و اصالت آن انکار شده است. اعتقاد به علت غایی و هدف داشتن طبیعت، یک عقیدهٔ ارتجاعی تلقی می‌گردد. در غرب از اشرف مخلوقات بودن انسان نمی‌توان دم زد. از نظر غرب اینها خودخواهی‌هایی بوده است که در گذشته دامن گیر بشر شده، بشر امروز خود را مانند موجودات دیگر بیش از مشتکی خاک نمی‌داند، از خاک پدیدآمده و به خاک باز می‌گردد و به همین جا خاتمه می‌یابد.

اگر بناست معتقد باشیم که طبیعت جریانات خود را کور کورانه طی می‌کند، اگر بناست اعتقاد به روح و اصالت آن، اغراق دربارهٔ خود باشد، اگر بناست انگیزه و محرک اصلی بشر در همهٔ کارها،

امور اقتصادی یا جنسی یا برتری طلبی باشد، اگر بناست نیک و بد به طور کلی مفاهیم نسبی باشند و الهامات فطری و وجدانی سخن باوه شمرده شود، اگر انسان بنده شهوات و میل‌های نفسانی خود باشد و جز در برابر زور سر تسلیم خم نکند و اگر... چگونه می‌توانیم از حیثیت و شرافت انسانی و حقوق غیر قابل سلب و شخصیت قابل احترام انسان دم بزنیم و آن را اساس و پایه همه فعالیت‌های خود قرار دهیم؟! (استاد شهید مرتضی مطهری)

مقایسه کنید

تفاوت حقوق بشر را در دو فرهنگ دینی و سکولار بیان کنید.

روشنگری و علوم جدید

از روشنگری به عنوان مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی فرهنگ معاصر غرب یاد شده است. منظور از روشنگری چیست؟ روشنگری چه تأثیری بر علم در جهان متجدد گذاشته است؟

روشنگری راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند. روشنگری در معنای عام خود، پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و برداشتن موانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه روش‌های شناخت حقیقت‌اند. روشنگری در این معنا، هنگامی که با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد. روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب اطلاق می‌شود و در این معنا، روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است. این روش در بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، صورت‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همه صورت‌های آن کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است. روشنگری در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، بیشتر رویکردی عقل‌گرایانه داشت. روشنگری با رویکرد دنیوی، هنگامی که با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل اینکه وحی را نمی‌پذیرد

به دئیسم؛ یعنی دین بدون شریعت و بدون مذهب، لامذهبی، و اعتقاد به خدایی که هیچگونه برنامه‌ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد ختم می‌شود. روشنگری در سده‌های نوزدهم و بیستم، بیشتر صورت حس‌گرایانه پیدا کرد. وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می‌آورد. این نوع علم، توان داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی را ندارد - زیرا این پدیده‌ها حسی نیستند - و صرفاً به صورت دانش ابزاری، در خدمت اهداف دنیوی انسانی قرار می‌گیرد که خواسته‌ها و آرزوهای دنیوی او اصیل شمرده می‌شوند.



■ آزمایش‌های علمی مرگ بار روی انسان‌ها

از پایان قرن بیستم با افول تجربه‌گرایی، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت‌شناختی شده است. در بحران معرفت‌شناختی امکان تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه‌ها و خوب یا بد بودن هنجارها و رفتارها از بشر سلب می‌شود.

بخوانیم و بدانیم

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس (دیدن، شنیدن، لمس کردن و...) می‌شناسد. اما امور غیرطبیعی، محسوس نیستند تا بتوان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد. از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی، به کمک عقل و از راه استدلال عقلی شناخته می‌شوند. انسان علاوه بر شناخت حسی و شناخت عقلی از شناخت شهودی نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگران پی می‌بریم. شناخت شهودی، دارای انواع و مراتبی است. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که از طرف خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا شده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و حس را نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مورد توجه قرار می‌دهد.

حس، عقل و وحی ظرفیت‌های خدادادی بشر برای شناخت جهان هستی‌اند. برخی فرهنگ‌ها مانع شکوفایی این ظرفیت‌ها می‌شوند.

مقایسه کنید

با توجه به آنچه گفته شد، ویژگی‌های روشنگری غرب و پیامدهای آن را در دوره‌های زمانی زیر مقایسه کنید.

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دئیسم	عقل‌گرایی، نفی وحی	قرون هفدهم و هجدهم
دانش‌ابزاری	حس‌گرایی، نفی عقل و وحی	قرون نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم



درس ششم چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب

گاهی یک ساختمان تکمیل شده و آماده سکونت را فارغ از زمان و مکان پیدایش آن بررسی می‌کنیم و اطلاعاتی از آن به دست می‌آوریم؛ مثلاً از زربنا، ارتفاع، تعداد طبقات، امکانات، زیبایی، شکل، رنگ و ... آگاه می‌شویم. حتی می‌توانیم به ویژگی‌های غیرقابل مشاهده آن مانند میزان استحکام، میزان مقاومت در برابر زلزله و ... بپردازیم.

ولی گاهی روند احداث ساختمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و از چگونگی ساخته شدن آن سؤال می‌کنیم. در این حالت گویا با سازندگان ساختمان همراه می‌شویم و در جریان جزئیات فرایند ساخت آن قرار می‌گیریم؛ برای مثال می‌دانیم چه مهندسان، معماران و کارگرانی در ساختن آن شریک بودند، چه مصالحی و با چه کیفیت و ارزشی در این ساختمان به کار رفته است، آیا ساختمان از اول نقشه مشخصی داشته است، اگر نقشه‌ای داشته آیا به صورت دقیق اجرا شده یا در مواردی آن را تغییر داده‌اند حتی می‌توانیم بدانیم مکانی که ساختمان فعلی به جای آن بنا شده چگونه بوده و چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای ساخته شدن بنای جدید ایجاد کرده است.

فرهنگ و جهان فرهنگی را نیز می‌توان از همین منظرها مورد مطالعه قرار داد. در درس گذشته فرهنگ معاصر غرب را مورد بررسی قرار دادیم و از باورها و ارزش‌های بنیادین آن سخن گفتیم. اما اینکه چگونه فرهنگی با این ویژگی‌ها در تاریخ و جغرافیای خاصی شکل گرفت، موضوع مهم دیگری است که در این درس به آن می‌پردازیم. فرهنگ معاصر غرب چه پیشینه‌ای دارد و چه مراحل و دوره‌هایی را سپری نموده است؟ چه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی در شکل‌گیری آن دخیل بوده‌اند؟

رנסانس و زمینه‌های تاریخی آن

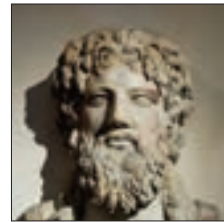
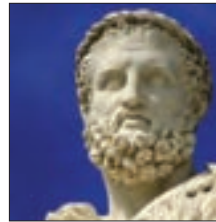
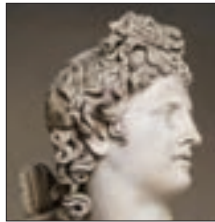
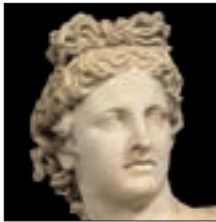
فرهنگ معاصر غرب در گذشته تاریخی آن ریشه دارد. دوره‌های تاریخی فرهنگ غرب کدام‌اند؟ و جهان غرب چگونه از آن دوره‌ها عبور کرد؟

تاریخ فرهنگ غرب به چهار دوره تقسیم می‌شود:

یونان و روم باستان، قرون وسطی، رنسانس و غرب جدید

رنسانس به معنای تجدید حیات و تولد دوباره است و دوره تاریخی از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی را شامل می‌شود. دلیل نام‌گذاری این دوره به رنسانس، این است که غرب در این زمان به فرهنگ یونان و روم بازگشت. فرهنگ یونان و روم باستان، فرهنگ اساطیری بود اما فرهنگ قرون وسطی، فرهنگ دینی مسیحیت است.

در فرهنگ اساطیری یونان و روم، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند اما فرهنگ مسیحیت با دعوت به توحید شکل می‌گیرد.



■ خداوندگاران متعدد یونان و روم باستان: زئوس، ژوپیتر، نپتون، هرمس، ...

طی قرون وسطی، آباء کلیسا به‌رغم آنکه از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند، با رویکرد دنیوی خود، نوعی دنیاگرایی و سکولاریسم عملی را دنبال می‌کردند. آنها به نام خداوند، بندگان خدا را به بندگی می‌گرفتند و همچنین به بهانه ایمان و وحی، عقل را از اعتبار می‌انداختند.



■ تارک دنیا شدن، جایگاه اعتراف به گناه: کلیسای قرون وسطی به بهانه ایمان، عقل را از اعتبار انداخت.

جنگ‌های صلیبی، مواجهه با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد. فرو ریختن اقتدار کلیسا سبب شد تا در دوران رنسانس، پادشاهان و قدرت‌های محلی به عنوان رقیبان دنیا طلب کلیسا، فرصت بروز و ظهور پیدا کنند. این رقیبان به دلیل رویکرد دنیوی خود و برای حذف کلیسا، به جای آنکه عملکرد آباء کلیسا را مورد انتقاد قرار دهند به تدریج دخالت دین در امور دنیوی را انکار کردند و بدین ترتیب حرکتی دنیوی را آغاز



مجسمه داوود اثر میکل آنژ؛ بازگشت به هنر یونان باستان

نمودند که حتی به دنبال توجیه دینی و معنوی خود نیز نبود. در دوران رنسانس رویکرد دنیوی به عالم، در سطح هنر، اقتصاد، سیاست و همچنین در قالب حرکت‌های اعتراض آمیز مذهبی آشکار شد.

هنرمندان دوران رنسانس با بازگشت به هنر یونان، به ابعاد جسمانی و دنیوی انسان اهمیت دادند. با رشد تجارت و کشف امریکا و بالا گرفتن تب طلا، زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب رعیتی فراهم آمد.

شاهزادگان اروپایی، به رقابت با قدرت کلیسا پرداختند و در این جهت از حرکت‌های اعتراض آمیز کشیشانی حمایت کردند که پیوند خود را با پاپ قطع می‌کردند. حرکت‌های اعتراض آمیز مذهبی که با عنوان پروتستان‌تسیم شناخته می‌شوند در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها، تنها با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند. بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار می‌گرفتند. حرکت‌های نوع اول با حمایت قدرت‌های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج سازند؛ ولی حرکت‌های نوع دوم، مورد هجوم کاتولیک‌ها و دیگر پروتستان‌ها قرار گرفتند و امکان گسترش پیدا نکردند.

بخوانیم و بدانیم



شکنجه و قتل آناپاتیست‌ها

آناپاتیست‌ها گروهی از پروتستان‌هایی بودند که به مخالفت با جریان‌های دنیاگرایانه‌ای پرداختند که از دوران رنسانس پدید آمده بود. این گروه با تحولات اجتماعی بعدی جهان غرب همراهی نکردند. بخشی از آنها که امروز با عنوان آمیش‌ها شناخته می‌شوند از قرن شانزدهم تا امروز، شیوه زندگی خود را تغییر

نداده‌اند. تاریخ اروپا شاهد کشتار آنا‌بابتیست‌ها توسط مسیحیان کاتولیک و دیگر پروتستان‌ها بوده است و امروزه تنها گروه‌های محدودی از آنها وجود دارد.



■ آمیج‌ها

پاسخ دهید

به نظر شما، مواجهه با مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی و فتح قسطنطنیه، چگونه زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم ساخت؟

رابطه فلسفه روشنگری و فرهنگ جدید غرب



■ دکارت، روسو، دیدرو

قبلاً با معنای عام و خاص روشنگری آشنا شدید و دانستید که روشنگری در معنای خاص نوعی معرفت‌شناسی است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه می‌شود. این منظومه، فلسفه روشنگری را می‌سازد.

فلسفه روشنگری چگونه در تاریخ فرهنگ غرب گسترش پیدا کرد؟ فیلسوفان روشنگری چه نقشی در شکل‌گیری فرهنگ مدرن ایفا کردند؟

در فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان با غفلت از نگاه توحیدی به عالم، خداوندگاران متکثر پرستیده می شدند. مسیحیت به عنوان یک دین توحیدی در جهت مقابله با آن موفقیت‌هایی را به دست آورده بود؛ ولی تحریفاتی که در مسیحیت قرون وسطی رخ داد دو پیامد زیر را به دنبال داشت:

- در سطح اندیشه و نظر، مسیحیت آمیخته با رویکردهای اساطیری شد و با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند.
- در سطح زندگی و عمل، مسیحیان و آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می کرد.

بخوانیم و بدانیم



■ مورخان عموماً توافق دارند که اعتقاد به تثلیث هرگز در کتاب مقدس آشکارا بیان نشده و در تعلیمات حضرت عیسی علیه السلام نیز وجود نداشته است.

آریوس روحانی اهل اسکندریه بر این باور بود عیسی علیه السلام مخلوقی است که خداوند به واسطه او جهان را آفریده است. باور او، مخالفان و موافقانی داشت. کنستانتین امپراتور روم در سال ۳۲۵م، برای بررسی باور او، دستور داد تا شورای نیقیه تشکیل شود. این شورا، آریوس را محکوم کرد و بانفی مخلوق بودن عیسی علیه السلام، او را خدای حقیقی از خدای حقیقی و هم ذات با خدا پنداشت و به لعن کسانی پرداخت که این باور را نداشتند. کنستانتین حکم کرد که هر کس کتاب‌های آریوس را داشته باشد کشته می شود. باور به خدا بودن عیسی علیه السلام برای او و کسانی که در عالم اساطیری قبل از مسیحیت به پرستش خداوندگاران محسوس عادت داشتند، مناسب تر بود. شورای نیقیه

به عنوان نخستین شورای عمومی کلیسای جهانی شناخته شد.

ماسدنیوس که در سال‌های ۳۶۰ - ۳۴۱ م اسقف قسطنطنیه بود، الوهیت روح القدس را نمی پذیرفت. شورای دیگری در سال ۳۸۱ م عقیده او را محکوم کرد و بدین ترتیب در دومین شورای کلیسای جهانی اعلام شد، کلیسای کاتولیک همچنان طرفدار تثلیث است. بنا بر تثلیث، خداوند، عیسی علیه السلام و روح القدس با آنکه سه شخص اند، یک ذات و جوهر واحدند. این عقیده که یک ذات واحد، سه شخص باشد، باوری نبود که عقل آن را بپذیرد. این مسئله، کلیسا را به تقابل بین عقل و عقیده‌ای که ایمان به آن را ضروری می دانست؛ یعنی تقابل عقل و ایمان سوق داد.

در دورهٔ رنسانس فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود، به سوی حذف پوشش دینی گام برداشت و در نخستین قدم، به یونان و روم باستان بازگشت. البته این بازگشت در جهت پذیرش فرهنگ اساطیری باستانی نبود؛ بلکه برای عبور از مسیحیت و پذیرش تفسیر غیر توحیدی فرهنگ یونان و روم باستان از هستی بود.

فرهنگ جدید غرب با پیدایش فلسفه‌های روشنگری آغاز می‌شود. رویکرد سکولار و دنیوی که پیش از آن، از طریق هنر و تفاسیر پروتستانی از دین در زندگی اجتماعی و فرهنگ عمومی گسترش پیدا کرده بود، با فلسفه‌های روشنگری، عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ غرب را تسخیر کرد. بدین ترتیب، سکولاریسم در باورهای بنیادین این فرهنگ نهادینه شد. دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینهٔ گسترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد و فلسفه‌های روشنگری، سکولاریسم را از سطح عملی و ظاهری فرهنگ غرب به سطح نظری و عمیق آن تسری داد و فرهنگ معاصر غرب را پدید آورد.



■ ژان کالون و مارتین لوتر از اصلاح‌گران دینی که با تفاسیر پروتستانی از دین، در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند.

گفت‌وگو کنید

قبلاً با تغییرات سطحی و عمیق در جهان اجتماعی و جهان فرهنگی آشنا شدید و دانستید وقتی تغییرات از لایه‌های سطحی یک فرهنگ به لایه‌های عمیق و بنیادین آن برسد، آن فرهنگ دچار تغییرات هویتی می‌شود. (مثلاً یک فرهنگ دینی به یک فرهنگ دنیوی تبدیل می‌شود.)
به کمک این دانسته‌ها دربارهٔ نقش فلسفه‌های روشنگری در شکل‌گیری فرهنگ معاصر غرب گفت‌وگو کنید.

آثار فرهنگ جدید غرب در زندگی اجتماعی

آثار فرهنگ جدید غرب به تدریج در زندگی اجتماعی مردم نمودار گردید و از ریشه‌ها به تنه، شاخه‌ها و برگ‌ها رسید. عقاید و ارزش‌های بنیادین غرب آثار خود را از طریق هنر، دین و فلسفه‌های جدید به تدریج در عرصه‌های علم و فناوری و صنعت، اقتصاد، حقوق و سیاست آشکار کرد. این حرکت چگونه طی شد؟

● **علم و فناوری و صنعت:** علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفه شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت برعهده نداشت بلکه به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد و از این جهت به دستاوردهای شگرفی نائل آمد.



■ ابزارهای جراحی معرفی شده در کتاب شیوه‌های درمان زخم‌ها و شکستگی‌های بدن انسان



■ کلاس تشریح دانشگاه پادوا در ایتالیا

در رویکرد جدید، علوم تجربی در بین علوم مختلف بیشترین اهمیت را پیدا کردند. فناوری و صنعت، رهاورد این بخش از علوم بود. در قرن هجدهم، انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز شد و به تدریج در دیگر کشورهای اروپایی گسترش یافت.

● **اقتصاد:** اقتصاد قرون وسطی بر مدار کشاورزی و روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود. نظام ارباب - رعیتی در غرب که از آن با عنوان فئودالیسم یاد می‌شود، نوعی برده‌داری فراگیر بود؛ زیرا کشاورزان، وابسته به زمین‌های اربابان خود بودند و امکان جابه‌جایی و نقل و انتقال نداشتند. گسترش تجارت و به دنبال آن رشد صنعت، قشر جدید سرمایه‌داران را به وجود آورد؛ بدین ترتیب، اقتصاد کشاورزی فئودالی به اقتصاد صنعتی سرمایه‌داری متحول شد و روابط ارباب - رعیتی به روابط کارگران و سرمایه‌داران تغییر یافت.



■ انبوه کارگران در دوران انقلاب صنعتی در انگلستان



■ فنودال‌ها و بهره‌کشی از کشاورزان

● **حقوق بشر:** در فرهنگ دینی، حقوق انسانی، مبتنی بر ربوبیت پروردگار و فطرت الهی انسان است و برای حراست از خلافت انسان و کرامت ذاتی او شکل می‌گیرد. در قرون وسطی، رفتارهای دنیوی نظام فنودالی، توجیه دینی می‌شد. حرکت‌های اعتراض‌آمیز رنسانس، به جای بازگشت به سوی حقیقت الهی انسان، به رویگردانی از نگاه معنوی منجر شد. بدین ترتیب به جای حقوق فطری الهی انسان، حقوق طبیعی بشر شکل گرفت. حقوق فطری الهی انسان با نظر به ابعاد و نیازهای معنوی و دنیوی انسان و با دو ابزار معرفتی وحی و عقل شناخته می‌شد؛ ولی حقوق طبیعی بشر، با نظر به خواسته‌ها و نیازهای صرفاً طبیعی و این جهانی او شناخته می‌شود.

● **سیاست:** باورها و ارزش‌های بنیادین غرب (یعنی سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری) فرهنگی را پدید آورد که راه را بر شناخت حقیقت الهی انسان و جهان فروبست. نظام سیاسی که از این پس شکل می‌گرفت باید صورتی کاملاً سکولار می‌داشت. چنین نظامی نه می‌توانست به دنبال حاکمیت ارزش‌های الهی باشد و نه می‌خواست عملکرد یا خطاهای دنیوی خود را توجیه دینی نماید.

اندیشه سیاسی نوین براساس اصالت بخشیدن به انسان دنیوی، خواست و اراده آدمی را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند. لیبرالیسم اندیشه سیاسی جدیدی است که از این رهگذر شکل می‌گیرد. لیبرالیسم را مباح دانستن همه امور در قیاس با خواست انسان تعریف کرده‌اند. این به معنای آزادی انسان از همه ارزش‌های متعالی است که مستقل از او باشد و به معنای مبدأ بودن آدمی برای همه ارزش‌هایی است که به خواست او شکل می‌گیرد.

انقلاب فرانسه که ریشه در حرکت‌های فرهنگی دوران رنسانس و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی دارد، نخستین انقلاب لیبرال در تاریخ تحولات اجتماعی جهان است. این انقلاب، الهام بخش انقلاب‌های دیگری شد که پس از چهار دهه، سراسر اروپا را فرا گرفت.

– تحولات فرهنگی – اجتماعی غرب در زمینه‌های دینی، فلسفی، صنعتی، سیاسی و ترتیب تاریخی آنها را بیان کنید.

– اگر در تحلیل و بررسی یک فرهنگ صرفاً به سطوح و لایه‌های سطحی و بیرونی آن بسنده شود، چه نارسایی‌ها و کاستی‌هایی در پی دارد؟

خلاصه کنید

— فرهنگ جدید غرب از طریق تفاسیر پروتستانی از دین در سطح فرهنگ عمومی بسط پیدا کرد.

مفاهیم اساسی

پروتستانتیسم،

آنچه از این درس آموختیم



درس هفتم **جامعه جهانی**

در هر دوره تاریخی، جوامع مختلف و شبکه روابط میان آنها، جامعه جهانی را می‌سازد. جامعه جهانی براساس ویژگی‌های فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری جوامع مختلف، حالت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

● هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد، به میزانی که آن فرهنگ، ویژگی‌های مطلوب یک فرهنگ جهانی را داشته باشد، جامعه جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود. اگر فرهنگ یا فرهنگ‌های غالب و اثرگذار، فاقد ویژگی‌های مطلوب باشند، جامعه جهانی با چالش‌ها و تضادهای درونی مواجه خواهد شد. فرهنگ سلطه، جامعه جهانی را به بخش‌های مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند؛ کشورهای پیرامون را به مرکز وابسته می‌سازد و زمینه ستیز و چالش میان آنها را ایجاد می‌کند.

● هنگامی که جامعه جهانی عرصه حضور فعال فرهنگ‌های متفاوت باشد، تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای فرهنگی و تمدنی رخ خواهد داد، در این صورت چالش‌های جامعه جهانی نیز از نوع چالش‌های بین فرهنگی و تمدنی خواهند بود. مواجهه فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام نمونه‌ای از چالش بین فرهنگ‌ها در سطح جهان است. امروزه جامعه جهانی در چه وضعیتی قرار دارد؟ کدام یک از حالت‌های گفته شده بر جامعه جهانی حاکم است؟

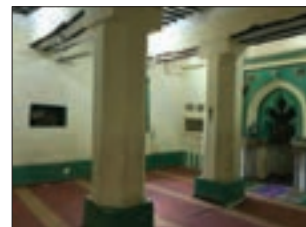
جامعه جهانی در گذشته و حال

جامعه جهانی تاریخ و سرگذشتی دارد. جامعه جهانی در گذشته چگونه بوده است؟ و در دوران جدید چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟



■ در مرکز نقاشی دیواری شورای امنیت، پرندۀ افسانه‌ای ققنوس در حال پرواز از خاکستر تصویر شده که نماد بازسازی جهان از ویرانه‌های پس از جنگ دوم جهانی است. در این تصویر نمادهای امید به آینده‌ای بهتر برای بشریت به کار رفته است.

بدون تردید جامعه جهانی قبل از ظهور غرب جدید به صورت امروز نبوده است؛ فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت و قدرت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند. روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت‌های متفاوت برقرار بود و جامعه جهانی که از طریق این روابط شکل می‌گرفت به گونه‌ای نبود که سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار دهد. به همین دلیل اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند، در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند. فرهنگ‌های مختلف نیز می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود از طریق روابط تجاری یا گفت و گوهای مستقیم علمی و معرفتی، عبور کنند.



■ بازگشت حاجیان زنجباری از سفر حج

■ قدیمی‌ترین مسجد شرق افریقا در شهر زنجبار کشور تانزانیا قرار دارد که در قرن ششم هجری توسط ایرانیان ساخته شده است.

فرهنگ ایرانی به رغم پیروزی یونانیان، در دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد. چین با آنکه از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد. نشر و گسترش اسلام نیز متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود. ایرانیان، اجبار و الزامی به مسلمان شدن نداشتند و به تدریج اسلام را پذیرفتند. همان گونه که مسلمانان آسیای جنوب شرقی فارغ از قدرت سیاسی اسلام، از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند.



■ مسابقات بین‌المللی قرآن در مالزی

فرهنگ غرب از سده هفدهم تا بیستم، شکل جدیدی به روابط میان جوامع با جامعه جهانی بخشید. در دو سده نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد. طی این مدت، فرهنگ کشورهای غیرغربی نیز در حاشیه روابط و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب‌پذیر پیدا کرد.

مقایسه کنید

با توجه به آنچه در فصل اول درباره سه مرحله استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو گفته شد، موقعیت فرهنگی جوامع غیرغربی را در این سه مرحله، مقایسه کنید.

شکل‌گیری نظام نوین جهانی

در سده‌های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده‌ای شکل گرفت که تقسیم‌کارش مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود را درنوردید و نظامی در سطح جهان با عنوان «نظام نوین جهانی» پدید آورد که جوامع غربی را به صورت مرکز و سایر جوامع را به صورت پیرامون درآورد. جوامع غربی چگونه بر روابط بین‌الملل تأثیر گذاشتند و نظام نوین جهانی چگونه پدید آمد؟

در فرایند تکوین نظام نوین جهانی مراحل چهارگانه زیر رخ داد:

- پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار
- پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت
- به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری
- استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

پیدایش قدرت‌های سکولار: زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. در نهایت با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که به طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند. این دولت‌ها بر خلاف حکومت‌های گذشته، خود را با هویتی دینی نمی‌شناختند؛ بلکه خود را در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی تعریف می‌کردند. دولت - ملت‌های جدید از این طریق پدید آمدند^۱.



■ در سال ۱۵۰۰ م در اروپا حدود ۵۰۰ دولت یا بیشتر وجود داشت؛ در ۱۹۰۰ م این تعداد به ۲۵ دولت تقلیل پیدا کرد.

پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت: رشد تجارت، رشد برده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست آفریقایی به مزارع آمریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی موجب شد تا تجار، جایگاه برتری نسبت به زمین‌داران پیدا کنند. دولت‌ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان نیاز داشتند و بازرگانان برای تجارت و سود، نیازمند حمایت ناوگان نظامی دولتمردان بودند. بدین ترتیب، پیوند قدرت با ثروت و تجارت شکل گرفت. صنعت، عنصر دیگری بود که بر فرایند انباشت ثروت و موقعیت سرمایه‌داران افزود.

۱- از آنجا که اعضای یک کشور خود را به عنوان ملت می‌شناسند و توسط یک دولت اداره و نمایندگی می‌شوند به آن دولت - ملت می‌گویند.

به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری: کشورهای غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. آنها برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آنها را تحمل نمی‌کردند. کشورهای غربی برای این منظور، در وهله نخست از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند.



■ به خدمت گرفتن مبلغان مسیحی برای سلطه بر فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی

دولت‌های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند. آنها همان‌گونه که ابتدا حرکت‌های پروتستانی را برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد سیاست سکولار به خدمت گرفتند، در این مرحله از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند. آنان با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند.

بخوانیم و بدانیم

فراماسونری ابزاری برای تخریب جامعه جهانی پیشین و ساختن جامعه جهانی جدید. در قرون وسطی، بناهایی که برای ساختن قصرها و کلیساها در شهرهای مختلف تردد داشتند، با هویت صنفی واحدشان از اشراف، شاهزادگان، مقامات روحانی و همچنین انبوه رعیت که در نظام فئودالی فرصت تحرک اجتماعی و جغرافیایی نداشتند، متمایز بودند. روابط استاد - شاگردی که همراه انتقال مهارت‌های فنی ایجاد می‌شد، بر انسجام صنفی این گروه می‌افزود. بورژوازی و سرمایه‌داری نوپای غربی که در جامعه، فاقد پایگاه اشرافی یا موقعیت اجتماعی موجهی بود، نظام ارزشی و طبقاتی موجود را مغایر با منافع خود احساس می‌کرد. هسته‌های نخستین فراماسونری که بیشتر یهودیان سرمایه‌دار و زراندوز غربی بودند، با نفوذ در سازمان صنفی بناها که از دو طبقه اشراف و روحانیون متمایز بودند، به گسترش اندیشه‌های

آزادی خواهانه پرداختند. شعارهای آنها علاوه بر مخالفت با نظام اشرافی، هویتی ضد دینی داشت.

آنها تلاش می کردند تاریخچه حرکت خود را به تلاش های حضرت سلیمان علیه السلام برای ایجاد جامعه جهانی نسبت دهند. در تعالیم آنها هر فراماسونر، حیوانی است که با ورود به لژ، به سوی انسانیت حرکت می کند و شایستگی پی ریزی جامعه جهانی مورد نظر را پیدا می کند؛ بنابراین آرمان سیاسی فراماسونرها جهان وطنی (کاسموپولیتیسیم) است.

پرداختن به تاریخچه سازمان های ماسونی و نقش آنها در تحولات اجتماعی معاصر غرب به معنای استناد تام این تحولات به شبکه های تشکیلاتی این مجموعه نیست، هرچند که نقش آنها نیز قابل انکار نیست ولی تحولات تاریخی عمیق تر از آن است که به یک گروه سرّی و توطئه و پنهان کاری آنها برگردد. در سلسله علل این تحولات، قبل از شکل های سرّی یا سازمان های سیاسی، نظام های فکری خاصی پدیدار می شوند و آنگاه که اندیشه و تفکری خاص رواج پیدا کند، عناصر مستعد و مناسب خود را از میان گروه های مختلف اجتماعی جذب می کند و سازمان های آموزشی و سیاسی متناسب را پدید می آورد.



■ نمادهای ماسونی در لژ لندن و لژ جرج واشنگتن امریکا

سازمان های ماسونی یکی از این ابزارهای آموزشی – سیاسی بود که غرب در تکوین خود به آن نیاز داشت. غرب هنگام هجوم به مناطق غیر غربی از این سازمان ها برای تأمین نیازهای خود کمک گرفت.

فراماسونرها که در حاکمیت سیاسی کشورهای غربی سهیم بودند، از شیوه های ماسونی برای بسط اندیشه های غربی در میان رجال و نخبگان سیاسی و اقتصادی کشورهای غیر غربی بهره جستند. آنها با عضوگیری از این گونه افراد، شخصیت و هویت سیاسی آنها را که متعلق به نظام سنتی یا قومی جامعه بومی بود، از آنها سلب می کردند و شخصیت نوین کاذبی را که در ارتباط با فراماسونری غرب بود، به آنان القا می نمودند.



■ لژ فراماسونری در ترکیه

یک فراماسونر غیر غربی که معمولاً از رجال سیاسی کشورش است قبل از آنکه خود را کارگزار دولت خود بداند، برادر و هم مسلک وزیر امور خارجه انگلستان یا پادشاهان کشور غربی می داند که در لژ او یا در لژ دیگر دارای سمت استادی هستند. او با ورود به لژ و آشنایی با تعالیم آن، خود را جزء تشکیلات بزرگی می بیند که در تکوین تمدن غرب نقش دارد و اینک قصد تحول و تبدیل همه جهان و تصرف آن را دارد.

لژهای ماسونی در دهه های نخست ورود خود به کشورهای غیر غربی، از جاذبه فرهنگی و سیاسی برخوردار بودند ولی در دهه های بعد، پس از آنکه دیدگاه های غربی از طریق نظام آموزشی به اندیشه و ذهن جامعه راه یافت، جاذبه فرهنگی خود را از دست دادند و بیشتر به صورت گروه های سیاسی باقی ماندند.

استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی: استعمار مهم ترین عامل ادغام جوامع غیر غربی در نظام جهانی جدید بود. کشورهای استعمار زده به دو نوع تقسیم می شوند؛ برخی از آنها توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند، ولی جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه سیاسی خود در آورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دوره استعمار این گونه جوامع، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می گرفتند و در شرایط نیمه استعماری به سر می بردند؛ مانند چین، عثمانی و ایران. جوامع استعمار زده به رغم مقاومت هایی که طی قرن بیستم انجام دادند، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.



■ پایگاه نظامی امریکا در ژاپن



■ تظاهرات ضد امریکایی در ژاپن



■ بنای یادبود جنگ تریاک در چین

چین که بزرگ‌ترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به صورت کشوری ضعیف درآمد که هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

عثمانی بزرگ‌ترین امپراتوری اسلامی

محسوب می‌شد و قلمرو آن از عربستان، عراق، سوریه، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید می‌کرد. این امپراتوری نیز در اثر نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید، بخش‌های عمده‌ای از آن جدا شد و ده‌ها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربر آوردند و هر کدام تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند.



■ یادمان ۲۶ مبلغ کاتولیک رومی در ژاپن

ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه‌های خود را به روی کشورهای غربی بسته بود، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری، تحت شرایط مورد نظر کشورهای اروپایی شد.

ایران نیز در این دوره سرنوشتی مشابه چین و عثمانی پیدا کرد. بخش‌هایی در

شمال غربی، شمال شرقی و شرق (آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، افغانستان، افغانستان و ...) از آن جدا شدند و به صورت کشورهای مستقل (افغانستان) یا بخش‌هایی از روسیه درآمدند. بقیه قلمرو ایران در شمال، تحت نفوذ روسیه و در جنوب، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و از نظر اقتصادی به اروپا وابسته شد. به این ترتیب، پیکره جهان قدیم فرو ریخت و جهانی جدید سر بر آورد.

درباره هویتی که کشورهای تازه تأسیس پیدا می‌کنند و تاریخی که برای هویت آنها تدوین می‌شود، تأمل و گفت و گو کنید.

خلاصه کنید

– استعمار مهم ترین عامل ادغام جوامع غیر غربی در نظام نوین جهانی بود.

مفاهیم اساسی

نظام نوین جهانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



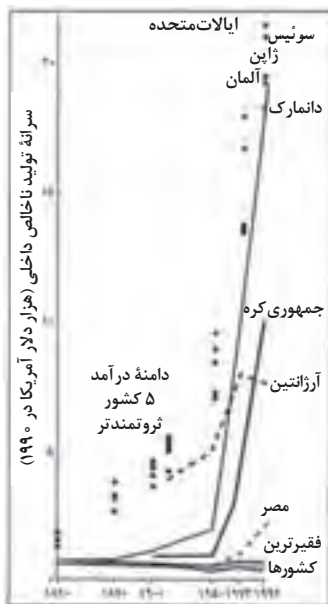
درس هشتم تحولات نظام جهانی

امروزه شیوه غالب زندگی اجتماعی در دنیا، زندگی در واحدهای اجتماعی به نام کشورهاست. کشور دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. پدیده‌هایی مانند مزرعه، کارخانه، بانک، اشتغال، تورم، ثروت، امنیت، قدرت، دولت، انتخابات، نیروهای مسلح، معرفت، رسانه، هنر، ادبیات، دانشگاه، مسجد، مدرسه و ... متعلق به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشورند.

در درس گذشته آموختید که عوامل متعددی در شکل‌گیری نظام نوین جهانی مؤثر بودند. دوباره آنها را بازخوانی کنید و بگویید کدام یک اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی اند. با این فعالیت پی می‌برید، نظام جهانی نیز یک واحد اجتماعی کلان است که خود دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. نظام نوین جهانی در ابعاد سه گانه مذکور، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟ متن زیر، جدول و نمودار صفحه بعد را در این رابطه تفسیر کنید.

«ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست و دو رسانه‌ای جهان، در کشورهای صنعتی، به ویژه ایالات متحده قرار دارند. امپراتوری‌های رسانه‌ای، مثل تایم وارنر، دیسنی و یاکوم، همگی امریکایی‌اند. از دیگر شرکت‌های رسانه‌ای بزرگ می‌توان به شرکت ژاپنی سونی که مالک محصول صوتی CBS و محصولات تصویری کلمبیاست و گروه آلمانی برتلسمان که صاحب محصولات صوتی RCA و مجموعه بزرگی از شرکت‌های انتشاراتی امریکایی است، اشاره کرد.»

گسترش شکاف‌های میان کشورهای ثروتمند و فقیر بین سال‌های ۱۸۲۰ و ۱۹۹۲ میلادی



ارزش فروش کشور یا شرکت‌های بزرگ در مقایسه با تولید ناخالص داخلی برخی کشورها در سال ۱۹۹۷ میلادی

کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)	کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)
جنرال موتورز	۱۶۴	افریقای جنوبی	۱۲۹
تایلند	۱۵۴	یونان	۱۲۳
نروژ	۱۵۳	اکسون	۱۱۷
فورد موتور	۱۴۷	تویوتا موتور	۱۰۹
عربستان	۱۴۰	مالزی	۹۸
میتسو بیشی	۱۴۰	رژیم صهیونیستی	۹۸
لهستان	۱۳۶	ونزوئلا	۸۷

تحولات اقتصادی – سیاسی

عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت – ملت‌های جدید شکل گرفت. قدرت سیاسی این دولت‌ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت و صنعت و تجارت هماهنگ بود. رقابت‌های سیاسی استعمارگران به‌ویژه در مناطق استعمارزده با منافع اقتصادی آنان پیوند می‌خورد. کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند. اقتصاد کشورهای غیر غربی پیش از استعمار، اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه‌ای مستقل عمل می‌کرد. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آنان را در معرض خطر قرار دهد اما در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، در راستای پاسخ به نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به تدریج تغییر می‌یابد و ویژگی‌های خاصی پیدا می‌کند. آیا می‌دانید این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

- اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، به بازار مصرف کالاهای تولید شده کشورهای غربی تبدیل می‌شود.
- این کشورها، نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی را تأمین می‌کنند.
- در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به سوی اقتصاد تک محصولی سوق داده می‌شوند؛ به این معنا که صادرات آنها به یک ماده خام محدود می‌شود.
- تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آنها به کشورهای استعمارگر می‌شود.
- وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به قدرت برتر سیاسی و نظامی کشورهای استعمارگر، موجب می‌شود تا مبادلات تجاری در سطح جهانی به گونه‌ای نامتعادل انجام شود و انتقال ثروت، به‌طور مستمر به سوی کشورهای غربی ادامه پیدا کند.



■ بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده قهوه، برزیل، اتیوپی، گواتمالا، هند و... می‌باشند و این در حالی است که اغلب شرکت‌های تجاری بزرگ دنیا در عرصه فروش و آماده سازی قهوه، امریکایی هستند.

● کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین ترتیب با رشد و تحول کشورهای استعمارزده نیز فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیر غربی، همچنان حفظ می‌شود.



■ صنعت مد و پوشاک جهانی با انتقال تولیدی‌های خود به کشورهای فقیر، هزینه‌های خود را به طرز چشمگیری کاهش داده است. بنگلادش یکی از این کشورهاست که در آن نوعی برده‌داری مدرن شکل گرفته است. زنان بنگلادشی با دستمزد ناچیز، در شرایط پرخطر و ناایمن مشغول به کار هستند و وضعیتی مشابه کارگران بعد از انقلاب صنعتی دارند.

● وابستگی کشورهای استعمار زده، مسئله‌ای است که امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد؛ زیرا کشورهای غربی بعد از آنکه با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی‌بخش در کشورهای استعمارزده مواجه می‌شوند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می‌شناسند اما اقتصاد وابسته کشورهای استعمار زده، دولت‌های مستقل این کشورها را ناگزیر می‌کند تا در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند.

تحقیق کنید

اقتصاد ایران تا دوران قاجار بر مدار دامداری و کشاورزی قرار داشت. درباره الف) تأثیر تخته قاپو کردن ایلات در دوره رضاخان و انقلاب سفید در دوره محمدرضا پهلوی بر دامداری و کشاورزی ایران؛ ب) نقش صادرات نفت در تک محصولی شدن اقتصاد ایران، تحقیق کنید.

افول دولت – ملتها و جهانی شدن

دولت – ملتها در نظام جهانی جدید چگونه به وجود آمدند؟ این دولت – ملتها چه تفاوتی با حاکمیت‌های پیشین دارند؟ و آیا در جامعه جهانی باقی خواهند ماند؟

دولت - ملت‌ها حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی نوینی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. آنها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، هویتی دینی و معنوی برای خود قائل نبودند و صورتی کاملاً سکولار داشتند. هویت آنها اغلب هویتی ناسیونالیستی و قوم‌گرایانه است. این کشورها در مسیر توسعه و گسترش خود به صورت قدرت‌های استعماری درآمدند و به تبع فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ‌ها پدید آوردند. پس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی را تعریف کردند. بدین ترتیب، صورت استعماری دولت - ملت‌های جدید در بخش دیگر جهان شکل گرفت. هویت‌های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می‌شود، هویتی قومی و سکولار است.

بخوانیم و بدانیم



■ بارگاه ائمه بقیع بقيع و بناهایی که بر روی قبور بزرگان اسلام قرار داشت در سال ۱۳۴۲ هـ.ق. تخریب و بقیع به ویرانه‌ای تبدیل شد. در سفرنامه‌ها آمده که بارگاه ائمه، بقعه‌ای هشت ضلعی دارای محراب و ضریحی از چوب بوده که نمونه‌ای بدیع و ظریف از هنر و فن محسوب می‌شده و میخ‌کوبی‌ها و نقوش برجسته مسی بر زیبایی آن افزوده بوده است. بقیع زیارتگاه تمامی مسلمانان بوده است.

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، به تناسب مناطق تحت نفوذ دولت‌های استعماری، کشورهای جدید تأسیس شدند و ناگزیر برای هر یک از آنها هویت ملی جدیدی تعریف شد.

هویت این مناطق در دوران عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی‌های قومی، نژادی و تاریخی آنها ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می‌شد.

در هویت‌سازی‌های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش‌های باستان‌شناسان شناسایی و برجسته می‌شود و اسلام به عنوان یک عنصر زنده، پویا و هویت بخش به فراموشی سپرده می‌شود. شگفت آنکه قبله‌گاه اوّل مسلمانان، بیت‌المقدس، محل تشکیل دولت مهاجران غاصب صهیونیست گردید. مکه، قبله امت اسلامی، در تصرف فرقه تازه تأسیسی قرار گرفت که تحت حمایت دولت استعماری انگلیس بود و در منطقه نزول وحی، همه آثار باقی مانده از صدر اسلام به اسم توحید و مبارزه با شرک با خاک یکسان می‌شود.

عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سدهٔ اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت‌های آنها نیز در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایندها جدید با عنوان جهانی شدن یاد می‌کنند.

اقتصاد سرمایه‌محور، در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود ولی به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود، آنها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.

کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را نیز برمی‌دارند و استقلال اقتصادی کشورهای مختلف و سیاست‌های ملی را مخدوش می‌سازند.



■ رستوران‌های زنجیره‌ای مک دونالد در چین، روسیه، هند و مصر

برخی معتقدند که جهانی شدن، فرایندی است که هیچ‌اقتنایی به مرزهای ملی ندارد. جهانی شدن در حال ایجاد نظمی نوین است که جریان‌های نیرومند تجارت و تولید بین‌المللی آن را پیش می‌راند. این دیدگاه مخالفانی نیز دارد؛ زیرا در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه‌ای نیست که انسجام مطلوب جهانی را به دنبال آورد؛ بلکه چالش‌ها و تضادهایی را پدید می‌آورد. چالش‌هایی که مقابله با آنها، بیشتر توسط جنبش‌هایی انجام می‌شود که فراتر از مرزهای سیاسی دولت‌ها عمل می‌کنند.

دربارهٔ مقاومت‌هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیهٔ عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و ... مطالعه کنید. این پیمان‌های منطقه‌ای در برابر سیاست جهانی سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی، بین دولت‌ها شکل می‌گیرند. به نظر شما نقاط قوت و ضعف این پیمان‌ها کدام‌اند؟



■ کشورهای عضو بریکس، گروه خود را حامی و ارتقادهندهٔ وضعیت کشورهای در حال رشد و نیرویی برای حفظ صلح جهان می‌دانند.

■ سازمان کنفرانس اسلامی، صدای جمعی جهان اسلام برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام و ترویج صلح بین‌المللی است.



■ از سازمان همکاری شانگهای با عنوان ناتوی شرق یاد می‌شود.

امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ



نظام نوین جهانی در عرصهٔ فرهنگی نیز شاهد تحولات بسیاری بوده است. این تحولات چه مسیری را طی کرده است؟ صنعت ارتباطات، رسانه و نظام علمی جدید در این تحولات چه تأثیری داشته است؟ آیا تحولات فرهنگی نظام جهانی جدید، به جهانی شدن فرهنگ غرب منجر می‌شود؟

جوامع از دیرباز از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و غیره با یکدیگر مواجهه داشته‌اند. این برخوردها سبب انتقال و اشاعه فرهنگ‌ها می‌شده و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می‌گرفته است. برخورد استعماری غرب با دیگر جوامع موجب شد تا جوامع غیر غربی از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار گیرند. این پدیده اغلب نوعی خودباختگی فرهنگی را نیز در آنها ایجاد می‌کرد. در سال گذشته دانستید؛ خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود که جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به گونه‌ای تقلیدی فرا گیرد.

در شرایطی که جوامع غیر غربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ غرب را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی خود به دست می‌گیرد.

صنعت ارتباطات، ابزار نوینی است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. توسعه صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده‌ای واحد درآورده است.

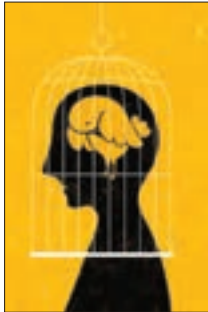


■ خبرگزاری‌های مهم دنیا

در این جهان کوچک، مرزهای جغرافیایی و سیاسی فرو می‌ریزد و فرهنگ‌های جوامع غیر غربی، در حالی که گرفتار خودباختگی‌اند، بیش از گذشته در دسترس کسانی قرار می‌گیرند که فرهنگ جهان را در راستای خدمت به کانون‌های قدرت و ثروت مدیریت می‌کنند. موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا، در عرصه رسانه، سبب شده است تا ناظران بسیاری از امپراتوری رسانه‌ای نیز سخن بگویند.

از این منظر، امپراتوری فرهنگی تازه‌ای تأسیس شده است که کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر آن آسیب پذیرترند؛ زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند. تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه تنها هویت فرهنگی جوامع غیر غربی را متزلزل می‌گرداند بلکه آشکارا، ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب را نیز به سخره می‌گیرد. بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند

شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود. جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند اما تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی بیشتر با تثبیت مرجعیت علمی غرب و توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی انجام می‌شود.



جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت‌رسانی به کالاهای غربی مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می‌دهند ولی از آموزش دانش‌های راهبردی، خودداری می‌کنند. علوم انسانی غربی که بر بنیان‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته‌اند، حیات و زندگی آدمی را بدون توجه به ابعاد معنوی آن، به گونه‌ای سکولار و دنیوی تعریف می‌کنند و سازمان می‌دهند.



ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می‌کند؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند تا فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازخوانی کنند. این پدیده، فرهنگ‌ها را از علمی که مبتنی بر بنیان‌های معرفتی دینی باشد محروم می‌گرداند.

بخوانیم و بدانیم

دولت‌های مرکز برای حفظ وضع موجود، به ایجاد انحصار در عرصه‌های مهم روی می‌آورند. برخی از این انحصارها عبارت‌اند از: انحصار فن‌آورانه، کنترل بازارهای مالی جهانی، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی کره زمین، انحصار سلاح‌های کشتار جمعی و انحصار ارتباطی و رسانه‌ای. برای توضیح بیشتر درباره این موارد می‌توانید به صفحات ۳۲ تا ۳۴ کتاب سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن نوشته سمیرامین مراجعه کنید.

گفت و گو کنید

– چرا کشورهای غربی تلاش می‌کنند تا مانع دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای شوند؟
– چرا در برابر تلاش جامعه علمی ایران برای تدوین علوم انسانی مبتنی بر نیازهای بومی و مبانی معرفتی اسلامی مقاومت می‌شود؟

خلاصه کنید

- ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیر غربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می‌کند.

مفاهیم اساسی

امپراتوری رسانه،

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

فصل سوم

چالش‌های جهانی



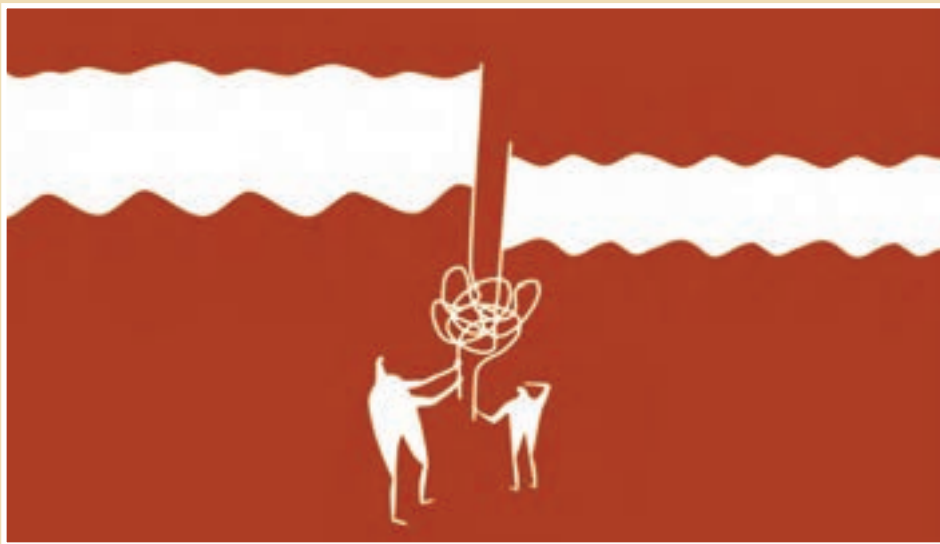
در فصل قبل خواندید که چگونه جهان غرب، برای عبور از چالش بین رویکرد نظری و عملی کلیسا به نفی رابطه دین و دنیا پرداخت و از رویکرد معنوی نسبت به عالم چشم پوشید.

در قرن هجدهم، ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی برای جهان غرب موجی از امید آفرید؛ امید به حاکمیت دنیوی و این جهانی انسان، امید به قدرت و سلطه آدمی بر طبیعت و امید به ایجاد بهشتی بر روی زمین که پیش از آن در آسمان به دنبال آن بود. جهان غرب در راستای تحقق این آمال و آرزوها، حقوق، سیاست، اقتصاد و صنعت متناسب با فرهنگ خود را پدید آورد و با استقرار بر قله پیروزی از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رفت و نظام نوین جهانی را شکل داد ولی با انبوهی از چالش‌ها مواجه شد که به تدریج از متن فرهنگ آن برمی‌خاست. تضادهای فقر و غنا، شمال و جنوب، ... و بحران‌های زیست‌محیطی، معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و... از این فرهنگ سر برآورده‌اند و زندگی بشر بر روی زمین را مختل کرده‌اند. به میزانی که فرهنگ جدید غرب از مرزهای خود فراتر می‌رود و در مسیر جهانی شدن گام برمی‌دارد، تضادها و چالش‌های آن نیز جهانی می‌شوند. در این فصل برخی از چالش‌های جهانی را بررسی می‌کنیم و بررسی سایر چالش‌ها را به مطالعات آزاد شما وا می‌گذاریم.

● اهداف فصل سوم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. مهم‌ترین چالش‌های جهانی را برشمارد و علت اصلی بروز آنها را بشناسد؛ با آوردن نمونه چالش‌های ذاتی، عارضی و چالش‌های درون فرهنگی، برون فرهنگی را برای دیگران توضیح دهد؛ عبور بشریت از این چالش‌ها دغدغه او شود و نسبت به سرنوشت جهان احساس مسئولیت نماید.
۲. علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی را با جنگ‌های پیشین تاریخ بشر مقایسه کند جامعه جهانی را از نظر استقرار صلح بررسی نماید؛ ترویج صلح و دوستی میان افراد و گروه‌های انسانی را وظیفه خود بداند و در حد توان از صلح جهانی به عنوان یک ارزش جهان‌شمول پاسداری کند.
۳. نقش متفاوت فرهنگ‌ها و رویکردهای مختلف را در پیدایش بحران زیست‌محیطی تحلیل کند؛ برای مقابله با این بحران احساس مسئولیت نماید و در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی راهکار پیشنهاد دهد.
۴. بحران‌های معرفتی و معنوی را بنیادی‌ترین چالش‌های فرهنگ غرب بداند؛ پیامدهای آنها را شناسایی کند و راه برون رفت از این بحران‌ها را جست‌وجو نماید.



جهان دو قطبی

درس نهم

اگر جهان غرب با حلّ چالش‌های پیشین، پاسخگوی نیازهای دنیوی و معنوی آدمیان می‌بود، با چالش‌های بنیادین جدید مواجه نمی‌شد. اما فرهنگ جدید غرب، برای حلّ چالش‌های گذشته، مسیری را پیمود که مسائل و مشکلات جدیدی به دنبال آورد. چالش‌های جدید به صورت‌های متفاوتی آشکار می‌شود؛

– اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

– منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

– مقطعی و مستمر

– خرد و کلان

– درون فرهنگی و بین فرهنگی

– ذاتی و عارضی (چالش‌های ذاتی ریشه در عقاید و ارزش‌های درونی جهان اجتماعی دارد و چالش‌های عارضی در اثر عوامل خارجی پدید می‌آیند).

– معرفتی و علمی

– معنوی و دینی

....

چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند مانند اینکه برخی از آنها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطعی یا مستمر و ... نیز باشند. به نظر شما چالش فقر و غنا، نمونه کدام یک از صورت‌های نام برده است؟

چالش فقر و غنا

آیا می‌دانید اولین چالشی که در جوامع صنعتی پدید آمد، چه بود و چگونه پدید آمد؟

لیبرالیسم قرن هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم متقدم می‌نامند. این لیبرالیسم، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت.

لیبرالیسم متقدم، نظام ارباب رعیتی و ارزش‌های اجتماعی مربوط به آن را در هم ریخت. کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آنها اجازه داد تا مهاجرت کنند و دربارهٔ شیوهٔ زندگی خود تصمیم بگیرند، موانع ارزشی و هنجارهای پیشین مانند غیر قابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت، کشاورزان را به صورت کارگرانی درآورد که سرمایه وجود خود را در معرض خرید صاحبان ثروت و صنعت قرار می‌دادند و سرمایه‌داران نیز آزادانه به استثمار و بهره‌کشی از بردگان جدیدی پرداختند که ظاهراً از همه قید و بندهای پیشین آزاد شده بودند.



■ انقلاب صنعتی و بهره‌کشی از کودکان

نظریه پردازان لیبرال، آزادی فعالیت صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند و مخالف هر نوع مداخلهٔ دولت بودند. آنان حتی کمک به مستمندان را بیهوده می‌دانستند. در انگلستان که پیشگام در انقلاب صنعتی بود، وضعیت نوانخانه‌ها به گونه‌ای بود که مستمندان مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند.

دیکنز در رمان «الیور توئیست» در قالب طنزی خشن، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که الهام بخش و مدافع آنها بودند، به سخره گرفت.



■ البور توئیست، شخصیت اصلی رمان دیکنز، پسریچهٔ یتیمی است که از روی سادگی به وضعیت نوانخانه اعتراض می‌کند.

مالتوس جمعیت شناس انگلیسی در نفی حق حیات کسانی که در فقر متولد می‌شوند، گفته است: «انسانی که در دنیای از قبل تملک شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ‌گونه حقی برای دریافت کمترین غذا یا چون و چرا در مورد مقام و موقعیت خود ندارد. بر سر سفرهٔ گستردهٔ طبیعت، جایی برای او وجود ندارد، طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و خود این حکم را اجرا می‌کند.»

ریکاردو از اقتصاددانان کلاسیک مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب بالاتر رفتن تولید نسل آنها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند و معتقد است: «اگر حکومتگران ما بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود را داشته باشند، استعداد و تلاش به پاداش طبیعی خود برسد و بلاهت و حماقت نیز مجازات طبیعی خود را ببیند، پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهند کرد.»



■ جان راسل – توماس مالتوس – دیوید ریکاردو

بخوانیم و بدانیم

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی موجب شد تا دولت‌مردان انگلیسی از جمله لرد جان راسل - پدر بزرگ برتراند راسل فیلسوف مشهور - از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کنند. این قحطی بیش از یک میلیون نفر مهاجر و قریب به یک و نیم میلیون نفر تلفات جانی داشت. در اوج قحطی، ساکنان روسکومون هر چهل و هشت ساعت یک بار برگ کلم جوشیده می‌خوردند و دولت نه تنها هیچ کمکی به مردم نکرد، حتی جلوی صدور گندم و جواز ایرلند را نگرفت. مردم گرسنه، صدور این غلات را که با حمایت ارتش بریتانیا انجام می‌شد، با خشم نظاره می‌کردند.



■ یادمان قربانیان قحطی بزرگ در دوبلین پایتخت ایرلند

لیبرالیسم با تکیه بر شعار آزادی و خصوصاً آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرده و عدالت را نادیده گرفته بود. بدین ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در بطن کشورهای غربی شکل گرفت.

مطالعه کنید

اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در نقد لیبرالیسم متقدم، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند. نظرات آیزایا برلین در مورد این دو مفهوم را مطالعه کنید و نتیجه را به کلاس ارائه نمایید.

شکل‌گیری بلوک شرق و غرب

در مقدمه درس از صورت‌های متفاوت تضادها و چالش‌های جدید سخن گفتیم. آیا می‌دانید تقسیم سیاسی جهان به بلوک شرق و غرب در زمره کدام‌یک از این صورت‌ها بود و چگونه به وجود آمد؟



■ شوروی و آمریکا دو ابر قدرت دوران جنگ سرد



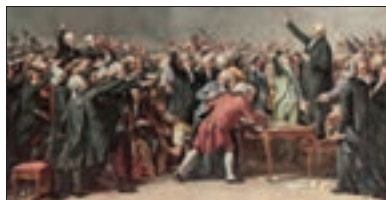
■ استالین - لینن - انگلس - مارکس

برخی از اندیشمندان اروپایی، برای حل مشکل فقر و غنا، در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ جدید غرب، نظریه‌هایی ارائه دادند. مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم به نقد لیبرالیسم اقتصادی پرداخت. از نظر او چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، تنها با یک حرکت انقلابی قابل حل بود. جامعه آرمانی مارکس از فردگرایی لیبرالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری عبور می‌کرد، مالکیت خصوصی را از بین می‌برد و صورتی سوسیالیستی و کمونیستی پیدا می‌کرد.

بخوانیم و بدانیم

مارکسیسم، سوسیالیسم، کمونیسم

مارکسیسم ناظر به اندیشه‌های سیاسی مارکس است. مارکس، سوسیالیسم را مرحله‌ای انتقالی برای رسیدن به کمونیسم می‌دانست. سوسیالیسم و کمونیسم - در مقابل فردگرایی لیبرال - دو رویکرد جامعه‌گرا هستند. سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است ولی مانند سرمایه‌داری آن را مطلق نمی‌داند ولی کمونیسم به مالکیت خصوصی قائل نیست.



■ مجلس فرانسه در دوران انقلاب

بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان آن در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. این دو گروه با عنوان دو جریان چپ و راست شناخته شدند.

مخالفان سرمایه‌داری که تحت عنوان جریان چپ قرار می‌گرفتند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند. در این میان حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۱۷م توانست قدرت را در روسیه به دست گیرد.

این دو جریان طی قرن بیستم، بلوک شرق و غرب را شکل دادند. بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود و بلوک غرب، امریکا و اروپای غربی را دربر می‌گرفت. جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم متقدم، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند اما آنها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند.^۱

چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در تمام قرن بیستم تا فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱م ادامه یافت.



■ سقوط داس و چکش، نماد نظام کمونیستی



■ اعلام تجزیه شوروی و حضور تانک‌ها در میدان سرخ مسکو

۱- جوامع سوسیالیستی با دو مشکل اساسی مواجه شدند:

الف) از بین رفتن آزادی افراد: به بهانه عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی، بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت.
ب) پیدایش طبقه جدید: با اینکه مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و مورد انتقاد قرار می‌دادند، در دامان کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی شکل گرفت که نه بر اساس ثروت بلکه بر مدار قدرت سازمان می‌یافت.

این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود بلکه چالشی جهانی بود. بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند. آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت در کانون این دو قطب قرار داشتند.

این دو قطب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ غرب قرار داشتند.

رویکرد نظری مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های نظری فرهنگ غرب به حل مسائل اجتماعی جامعه خود می‌پرداخت.

بنابراین، چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن واحد پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، به وجود می‌آید.



■ فروپاشی دیوار برلین که مدت ۲۸ سال این شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده بود.

گفت‌وگو کنید

در دوران تقسیم دو قطبی جهان به بلوک شرق و غرب، هر یک از کشورهای منطقه خاورمیانه به کدام یک از دو قطب تعلق داشت؟

خلاصه کنید

- چالش بلوک شرق و غرب از چالش‌های درون تمدن جهان غرب است.

مفاهیم اساسی

جهان دو قطبی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

درس دهم

قرآن کریم دو نوع جامعه را در مقابل هم توصیف می‌کند؛ جامعه‌ای که هرگونه ستیزه و نزاع ناشی از خون، نژاد، طبقه، ملیت، جغرافیا و ... را از بین می‌برد و همهٔ بشر را بر مدار آرمانی حقیقی و اصیل جمع می‌کند.

«و همانا این است امت شما، یک امت واحد و منم پروردگار شما...» (مؤمنون: ۵۲)

جامعه‌ای که به گروه‌ها و دسته‌های پراکنده و متخاصم تجزیه می‌شود؛ امکانات گروهی آن پراکنده می‌شود و ظرفیت‌ها و نیروهای آن نابود می‌گردد.

«همانا فرعون روی زمین برتری جویی کرد و اهالی‌اش را گروه‌گروه گردانید، گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند و...» (قصص: ۴).

شما برای هر یک از این دو نوع جامعه، چه نامی انتخاب می‌کنید؟

در این درس از چالش‌ها و ستیزه‌های جهانی دیگری سخن می‌گوییم. از جنگ‌ها و تقابل‌هایی می‌گوییم که بسیاری از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و نیروهای بشری را به هدر می‌دهد.

آیا می‌دانید علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی اول و دوم چه بود؟ از تقابل کشورهای شمال و جنوب جهان چه می‌دانید؟

جنگ‌های جهانی

جنگ یک پدیده اجتماعی است. جامعه بشری در گذشته تاریخ شاهد جنگ‌های فراوانی بوده است. امپراتوری‌های بزرگ، اغلب مرزهای خود را با پیروزی در جنگ تعیین می‌کردند. برخی از جنگ‌ها نیز منشأ دینی و مذهبی داشته یا با ظاهر مذهبی توجیه می‌شدند. اما جنگ‌های معاصر از جنبه‌های مختلف با جنگ‌های گذشته تفاوت دارند. در مورد جنگ‌های جهانی اول و دوم چه می‌دانید؟ این جنگ‌ها چگونه به وجود آمدند؟ جنگ سرد در چه دوره‌ای اتفاق افتاد؟

اگوست کنت جامعه‌شناس فرانسوی معتقد بود، فاتحان در گذشته تاریخ با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از قاموس بشری رخت بر می‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه او را نشان می‌دهد. (جنگ اول در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م و جنگ جهانی دوم در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹ م.)



■ تندیس کودکان قربانی جنگ جهانی دوم در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک



■ جنگ جهانی دوم بر خلاف جنگ جهانی اول به مرزهای کشورهای درگیر جنگ محدود نماند، به درون شهرها کشیده شد و غیر نظامیان، زنان و کودکان را بیش از پیش درگیر جنگ ساخت.

این دو جنگ، بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ بشریت‌اند. کشته‌های این دو جنگ را تا صد میلیون نفر بیان کرده‌اند. در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم، برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.



■ گنبد گنباکو مشهور به گنبد بمب اتمی از معدود بناهای به جا مانده پس از بمباران اتمی شهر هیروشیما است. بمباران اتمی این شهر در جنگ جهانی دوم به دستور امریکا انجام شد که بر اثر آن هزاران ژاپنی در روز انفجار و روزها و ماه‌ها و سال‌های پس از آن جان باختند. ژاپنی‌ها در مراسم یادبود قربانیان فاجعه هیروشیما که هر ساله در مقابل این ساختمان برگزار می‌شود، بارها کردن کبوترها، آرزوی صلح می‌کنند.

از مهم‌ترین عوامل وقوع این دو جنگ، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود؛ زیرا سرمایه و صنعت به بازارهای مصرف و نیروی کار ارزان نیاز داشت. دو جنگ جهانی با درگیری کشورهای اروپایی آغاز شد. هیچ یک از این دو جنگ، منشأ دینی نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت. طرف‌های درگیر در این دو جنگ، در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی، رفتار خود را توجیه می‌کردند. بنابراین این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشت. با این همه دو جنگ اول و دوم به کشورهای اروپایی و غربی محدود نشد؛ بلکه همه جهان را درگیر خود ساخت و بعد از جنگ دوم نیز صلحی پایدار، برقرار نگردید و جنگ بر متفقین دیروز سایه انداخت.



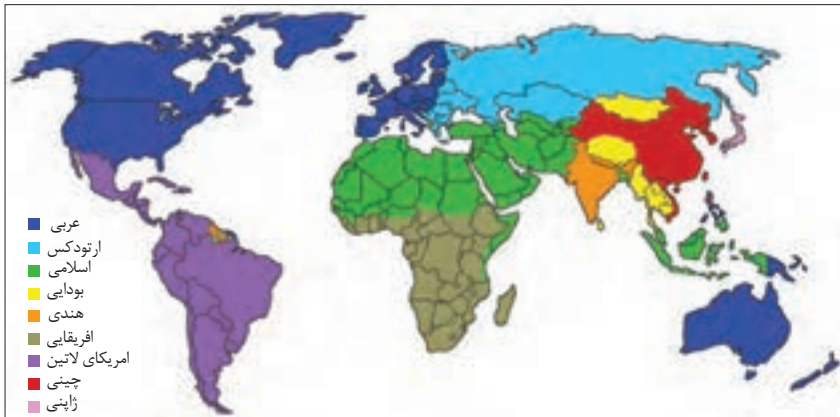
■ بحران موشکی کوبا که جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد؛ حضور هم‌زمان ناوهای شوروی و امریکا در آب‌های کوبا، تصمیم شوروی مبنی بر استقرار موشک‌های میان‌برد در کوبا

بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را زیر نفوذ خود قرار دادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی یعنی اقتصاد وابسته به تسلیحات نظامی رونق بخشید.



■ جنگ ویتنام که جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت، زمانی آغاز شد که آتش جنگ کره به تازگی خاموش شده بود. در جنگ ویتنام و جنگ کره، نیروهای امریکا و شوروی در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند.

نظریه پردازان غربی پس از فروپاشی بلوک شرق، جنگ را از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند. نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نگاه او در این مرحله، منشأ اصلی درگیری‌ها در جهان، عامل فرهنگی است و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.



■ نقشه تقسیم جهان به حوزه‌های تمدنی متفاوت

بخوانیم و بدانیم

واژه صلح و آشتی در مقابل جنگ و نزاع به کار می‌رود ولی صلح صرفاً به معنی نبود نزاع و جنگ نیست بلکه معنای عمیق‌تر و وسیع‌تری دارد.

صلح یکی از ارزش‌های بشری است که همواره در معرض خطر قرار دارد و به همین دلیل ما انسان‌ها باید در پاسداشت آن بکوشیم.

اولین پیام هر مسلمان در برخورد با دیگران واژه سلام است. مسلمانان و سلام و اسلام هر سه از ریشه سلم به معنای درستی خواه در جسم و خواه در روان انسان است. سلم در قرآن در برابر جنگ به کار رفته. همان‌طور که صلح نیز در برابر اختلاف به کار رفته است. اسلام و اصلاح به معنای رفع جنگ و اختلاف است.

واژه صلح و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۸۰ بار تکرار شده است. قرآن کریم مؤمنان را به ایجاد صلح و دوستی میان انسان‌ها فرا می‌خواند و آن را مایه جلب رحمت الهی می‌داند. البته صلحی عادلانه. (حجرات: ۹ و ۱۰).

ما همیشه صلح طلبیم ولی نه صلحی که جانی را بر سر جنایت خودش باقی بگذارد، چنین صلحی، صلح نیست. (امام خمینی رحمته الله علیه)

۲۱ سپتامبر روز جهانی صلح است. همه ساله در این روز زنگ صلح در مقر سازمان ملل به صدا در می‌آید. این زنگ که یادآور هزینهٔ انسانی جنگ است، توسط ژاپن از سکه‌های اهدایی کودکان ۶۰ کشور جهان ساخته و به سازمان ملل هدیه شده است. در کنار این زنگ نوشته شده «زنده باد صلح مطلق جهانی!»



این زنگ در حالی به صدا در می‌آید که چشم انداز دنیای کنونی، چشم اندازی دلهره آور است. قرن ما جنگ زده‌ترین دوران تاریخ بشر است، ما نخستین نسلی در تاریخ بشر هستیم که با تهدید انقراض زندگی می‌کند و جنگ همواره ادامه دارد.

گفت‌وگو کنید

– شما وضعیت نظام جهانی موجود را از نظر استقرار صلحی پایدار، چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنید؟ آیا عملکرد سازمان ملل و شورای امنیت در این راستا کارساز بوده است؟ دلایل خود را ذکر کنید.

– دربارهٔ پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی اول و پیامدهای سیاسی جنگ جهانی دوم در ایران گفت‌وگو کنید.



■ ۷۲ ساعت پس از انتشار گزارش سازمان ملل مبنی بر قرار گرفتن نام عربستان در فهرست ناقضان حقوق کودک در جنگ با یمن، نام این کشور از لیست مذکور حذف شد. به دلیل آنکه عربستان، سازمان ملل را به قطع کمک‌های چند صد میلیون دلاری اش تهدید کرده بود.

ببینیم و بدانیم

مستند آخر الزمان روایتی تصویری از جنگ‌های جهانی اول و دوم است. با دیدن این مستند، اطلاعات قابل توجهی دربارهٔ علل و پیامدهای دو جنگ جهانی به‌دست می‌آورد.

شمال و جنوب

برخی مفاهیم طبیعی و جغرافیایی مانند «شمال و جنوب» معنای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیدا می‌کنند. تقابل شمال و جنوب به تقابل کدام کشورها اشاره دارد؟ اصطلاحات مشابه آنها کدام است؟



از آنجا که بیشتر کشورهای صنعتی و ثروتمند در نیمکره شمالی زمین و اغلب کشورهای فقیر در نیمکره جنوبی قرار دارند، از تقابل کشورهای فقیر و غنی به تقابل شمال و جنوب یاد می‌کنند. مفاهیم شمال و جنوب، عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار برده شد زیرا برخی اندیشمندان معتقد بودند که چالش بلوک شرق و غرب، چالش اصلی نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.

اصطلاحات سیاسی مشابه دیگری نیز برای اشاره به این چالش وجود دارد؛ مانند جهان اول و دوم و سوم، کشورهای توسعه یافته و عقب مانده، مرکز و پیرامون، استعمارگر و استعمارزده. مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب است و منظور از جهان دوم، کشورهایی است که در کانون بلوک شرق قرار داشتند. جهان سوم، کشورهای دیگری هستند که خارج از این دو بلوک قرار داشته و تحت نفوذ آنها واقع می‌شدند.

از کشورهای صنعتی و ثروتمند با عنوان کشورهای توسعه یافته نیز یاد می‌شود و به کشورهای دیگر هنگامی که با آنها مقایسه می‌شوند، کشورهای عقب مانده، توسعه نیافته یا در حال توسعه می‌گویند. این اصطلاحات به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه یافته، الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر کشورهای توسعه یافته را ادامه دهند.

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب نوع عملکرد کشورهای مرکزی، در موقعیت ضعف و فقر قرار می‌گیرند. بر اساس این نظر، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از

طریق استثمار کشورهای غیر غربی حل می کنند زیرا با ثروتی که از کشورهای پیرامونی به دست می آورند، رفاه عمومی را برای کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی تأمین می کنند و مشکلات حادّ درونی را به بیرون از مرزهای خود انتقال می دهند. آنها با سرمایه گذاری های مشترک و معاهدات بین المللی، انتقال ثروت را از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز تسهیل می کنند.



■ قاره افریقا از منابع و معادن ارزشمندی مانند نفت، الماس، طلا، اورانیوم، آهن، مس، نقره و ... برخوردار است اما در نتیجه استثمار، فقیرترین قاره مسکونی دنیاست.

اصطلاح استثمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آنها نیست بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه آنهاست.

تقابل شمال و جنوب تقابلی جهانی است و در صورتی که فعال شود، بسیاری از چالش های درونی کشورهای غربی، دیگر بار فعال خواهند شد.

گفت و گو کنید

به نظر شما چه رابطه ای میان چالش فقر و غنا در کشورهای اروپایی با چالش های زیر وجود دارد؟
- شکل گیری بلوک شرق و غرب در جهان
- ایجاد تقابل شمال و جنوب در جهان



بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی

درس یازدهم

«گویند مولانا قطب‌الدین در راهی می‌رفت، شخصی از بامی افتاد و بر گردن مولانا آمد، چنان‌که مهره گردن او قصوری (شکستگی‌ای) یافت و چند روز بدن سبب صاحب بستر گشت (بستری شد). جمعی از اکابر وقت، به عیادت او آمدند و گفتند: چه حال است؟ گفت: حال از این بدتر چه باشد که دیگری از بام بیفتد و گردن من بشکند!» (لطایف الطوائف)

اغلب پیامدهای خوب و بد کنش‌های افراد و جوامع صرفاً متوجه خودشان نیست. امروزه بسیاری از بحران‌ها در مناطق خاصی پدید می‌آیند ولی به سایر نقاط دنیا تسری می‌یابند. کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند اما همه از پیامدهای نامطلوب آن متأثر می‌شوند.

بحران چیست و چگونه ایجاد می‌شود؟ می‌دانید که به پدیده‌هایی مانند منظومه شمسی، رایانه، بدن انسان، جامعه و... نظام می‌گویند. به این دلیل که هر کدام مجموعه منظمی از اجزای به هم پیوسته‌اند و برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر در ارتباط‌اند، هر نظامی در حالت طبیعی از تعادل برخوردار است. بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل نظام را بر هم بزند و نظام نتواند با مهار آن تغییرات، تعادل مجدد خود را به دست بیاورد. به عنوان مثال بدن انسان همواره در معرض عوامل بیماری‌زا قرار دارد و بیمار می‌شود ولی هنگامی که بیماری غیرقابل کنترل شود و بدن را از وضعیت طبیعی خارج نمایند، بحران پدید می‌آید.

نظام جهانی نیز دچار بحران‌هایی می‌شود در واقع بحران‌ها، چالش‌های مهار نشدنی هستند. بحران اقتصادی و بحران زیست محیطی از جمله این بحران‌هاست. در مورد این بحران‌ها چه می‌دانید؟ بحران اقتصادی چگونه ایجاد می‌شود و چگونه به مناطق مختلف دنیا انتقال می‌یابد؟ آیا فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در ایجاد بحران زیست محیطی سهم یکسانی دارند؟

بحران های اقتصادی

بحران اقتصادی، آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می کند. آیا می دانید بحران اقتصادی چه مسائلی به دنبال می آورد؟

در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف کنندگان به شدت کاهش می یابد. تولیدکنندگان، بازار فروش خود را از دست می دهند، در نتیجه کارخانه ها تعطیل می شوند و کارگران بیکار می گردند. این نوع بحران می تواند در اثر عوامل مختلفی ایجاد شود.

در تاریخ اقتصاد سرمایه داری غرب، بحران های اقتصادی به طور متناوب و با شدت و ضعف های متفاوت، پدید آمده اند. نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰م در انگلستان به وجود آمد و مهم ترین آنها در فاصله بین دو جنگ جهانی، در سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۲۹م اتفاق افتاد. زیان اقتصادی ناشی از این بحران کمتر از زیان اقتصادی جنگ جهانی اول نبود. در این بحران، ۴۰ میلیون کارگر بیکار شدند و هزاران مؤسسه اقتصادی ورشکست شد.



■ بحران اقتصادی غرب در سال های بین دو جنگ جهانی



■ بحران اقتصادی اخیر در غرب

بحران اقتصادی اخیر در اروپا و امریکا از سال ۲۰۰۸ شروع شده است و به رغم تلاش هایی که برای مهار آن می شود، همچنان ادامه دارد.

بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویتی اقتصادی دارند ولی تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. چالش فقر و غنا چالشی مستمر در سرمایه داری غربی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره ای و مقطعی است.



■ فقر و غنا چالشی مستمر در سرمایه داری غربی

آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران به رغم آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند. به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با مسئله فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن می‌افزاید.

یک بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود. بحران‌های اقتصادی در ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شد و از عوامل داخلی آنها اثر می‌پذیرفت، ولی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، این بحران‌های منطقه‌ای به سرعت آثار و پیامدهای جهانی خود را آشکار ساخت.

تحقیق کنید



درباره جنبش وال استریت و ارتباط آن با بحران اقتصادی ۲۰۰۸ میلادی تحقیق کنید.

بحران های زیست محیطی

محیط طبیعی که در آن زندگی می کنیم محیط زیست ما را تشکیل می دهد. برخی بحران های محیط زیست را مشکل سرنوشت ساز قرن بیستم دانسته اند. بحران های محیط زیست چرا پدید آمده و چه مسائلی را به دنبال آورده است؟

بخوانیم و بدانیم



■ نخلستان های ایران، قربانی خشکسالی



■ دفن زباله های سستی در کشورهای جهان سوم



■ جزیره هندرسون مشهور به جزیره پلاستیکی، مقصد پلاستیک های شناور در اقیانوس آرام و آلوده ترین نقطه جهان

در دو دهه سال اخیر، تغییراتی شگرف در محیط زیست رخ داده است. اگر تاریخ کره زمین را در یک فیلم یک ساله فشرده کنیم به طوری که هر ثانیه، ۱۴۶ سال را در خود جای دهد، دوره اخیر حدود یک ثانیه از عمر زمین را تشکیل می دهد ولی تغییراتی که بشر در این مدت در طبیعت و محیط زیست ایجاد کرده بیشتر از تغییرات سراسر عمر زمین است. تغییراتی که آسیب های زیست محیطی بسیاری را به دنبال داشته است؛

– آلودگی هوا در اثر گازهای شیمیایی، ریزگردها و فلزات سنگین

– تخریب لایه ازن در اثر افزایش تولید گازهای گلخانه ای
– از بین رفتن منابع آب در اثر آلودگی آب های سطحی و زیر زمینی

– آلودگی دریاها در اثر عوامل فیزیکی و شیمیایی
– بارش باران های اسیدی در اثر آلودگی آب و هوا

– گرم شدن کره زمین و خشکسالی

– مسمومیت خاک در اثر تجمع مواد زاید تجزیه ناپذیر،

سموم آفت کش، مواد رادیو اکتیو و پلیمرها

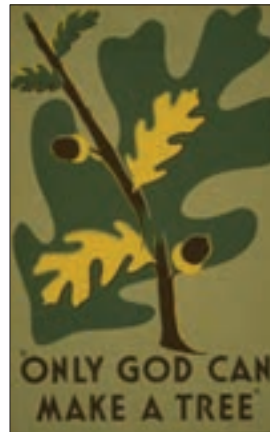
– تهی شدن منابع طبیعی تجدیدنپذیر در نتیجه استفاده بی رویه انسان معاصر

– در معرض نابودی قرار گرفتن حدود یک سوم از انواع جانوران و گیاهان

– و....

از جمله این آسیب های زیست محیطی اند.

امروزه بحران‌های زیست محیطی به منطقه خاصی محدود نمی‌شود و همه محیط طبیعی زندگی انسان اعم از آب، خاک و هوا را فراگرفته است. شهرهای صنعتی، اولین مراکزی بودند که با محیطی آلوده مواجه شدند. پس از آن با گسترش زندگی مدرن در جهان، بر گستره انواع آسیب‌های زیست محیطی افزوده شده است. انسان مدرن با انقلاب صنعتی، تسلط و پیروزی بر طبیعت را به خود نوید می‌داد ولی از همین منظر، طبیعت نیز نخستین مسائل و مشکلات خود را نشان داد. بدین ترتیب رابطه متقابل انسان و طبیعت دچار اختلال گردید. برخی اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از نوع رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند. فرهنگ مدرن، طبیعت را ماده خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازه هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، تمامی مسائل و مشکلات خود را حل می‌کند.



■ دو نگاه متفاوت به طبیعت

در نگاه توحیدی، طبیعت و هر چه در آن است، آیات و نشانه‌های خداوند است، همه موجودات طبیعی به تسبیح خداوند مشغول اند و به سوی او باز می‌گردند. در نگاه اساطیری هم طبیعت، ماده خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی نیز برخوردار است. انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی و سکولار خود، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در آن را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد از این رو گسترش سریع صنعت و تکنولوژی مدرن، علی‌رغم ایجاد توانمندی و آسایش بیشتر، زیان‌های جبران ناپذیری برای بشر و طبیعت به بار آورده است. بحران زیست محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر، اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و... منجر شد. به منظور چاره‌اندیشی برای این آسیب‌ها، کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی دربارهٔ بحران زیست‌محیطی برگزار شده است که البته از شتاب بحران نکاسته‌اند. اعتراضات و واکنش‌های مردمی در دهه‌های اخیر، جنبش‌های اجتماعی جدیدی پدید آورده است. برخی از این جنبش‌ها، بحران زیست‌محیطی را ناشی از فرهنگ مدرن غرب دانسته و انتقادات خود را متوجه ریشه‌های معرفتی این فرهنگ کرده‌اند و برخی دیگر بازگشت به رویکردهای معنوی به طبیعت را راه‌گریز از بحران می‌دانند.

بخوانیم و بدانیم

در قرن بیستم کشورهای غربی، زباله‌های سمّی تولید شده در کشورشان را به کشورهای جهان سوم ارسال می‌کردند تا در آنجا دفن و یا انبار شود.

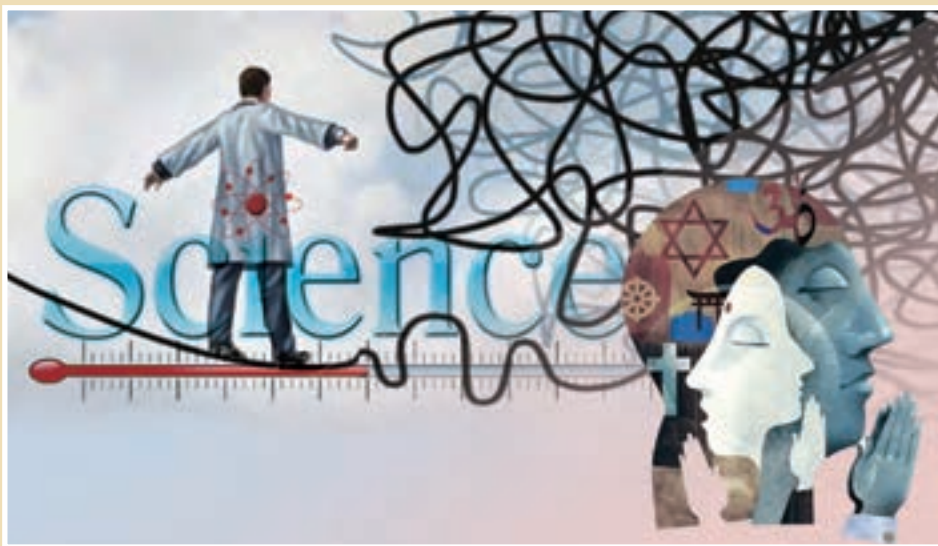
برخی جنبش‌های حامی محیط‌زیست این اقدام را استعمار سمّی و نژاد پرستی زیست‌محیطی نامیده‌اند. استعماری که در آن جوامع سلطه‌گر که حتی سوزاندن و دفن پلاستیک در خاک خود را ممنوع اعلام کرده‌اند، مردم و سرزمینی دیگر را به زباله بان و زباله‌دان خود تبدیل نموده‌اند و زباله‌های اتمی و سمّی خود را در خاک آنها مدفون می‌کنند.

در سال ۱۹۸۹م سازمان ملل با طرح پیمان باسل سعی کرد تا از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند اما برخی کشورهای غربی باسل را نپذیرفتند و برخی دیگر با دور زدن قوانین بین‌المللی و سوء استفاده از نیاز مالی و کم‌اطلاعی افراد و یا دولت‌ها، همچنان به صدور زباله‌های خود به ساحل عاج، غنا، سومالی، نیجریه، مصر، هند، اندونزی، مغولستان و... مشغول‌اند. کشورهای فقیر هم به امید کسب درآمدی ناچیز از این راه، به این تجارت ظالمانه و نابرابر تن داده‌اند.

در قرن بیست‌ویکم صادرات زباله همچنان یک تجارت بین‌المللی پر رونق و روبه‌گسترش است که در کشورهای جهان سوم ایجاد بحران می‌کند. بحران ابیجان در ساحل عاج و بحران بوپال در هند نمونه‌هایی از این بحران‌هاست.

گفت‌وگو کنید

شما چه راهکارهایی برای مهار بحران‌های زیست‌محیطی در سطوح مختلف فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی پیشنهاد می‌کنید؟
برای انجام این فعالیت، متن سیاست‌های کلی محیط‌زیست در جمهوری اسلامی ایران را مطالعه کنید.



درس دوازدهم بحران‌های معرفتی و معنوی

چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و چالش‌های پیشین علی‌رغم بروز چالش‌های جدید، همچنان باقی می‌مانند. برای مثال اگرچه چالش فقر و غنا در قرن هجدهم بروز کرد اما همچنان با برجاست.

ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و... ظاهر می‌شوند.

این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از عمق فرهنگ غرب بر می‌خیزند. علت این



■ نقاشی کوری عصاکش کور دیگر اثر پیتر بروگل

چالش‌ها درونی است، نه بیرونی که فرهنگ غرب بتواند آن را به دیگران نسبت دهد. از این رو وقتی آثار چنین چالش‌هایی در سطح جهان آشکار می‌شود، فرهنگ‌های دیگر نباید برای مهار آنها، همان راهی را بروند که جهان غرب می‌رود و چاره این چالش‌ها و درمان این دردها را از آن بخواهند که «اگر کوری، کور دیگر را هدایت کند هر دو به چاه خواهند افتاد.»

برخی چالش‌ها مربوط به لایه‌های سطحی‌تر و برخی مربوط به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ‌اند.

سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری، عمیق‌ترین لایه فرهنگ معاصر غرب و روح و شالوده آن هستند، تمامی چالش‌های جهانی، از این لایه هویتی برمی‌خیزند ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه اختصاص دارند. در مورد این بحران‌ها چه می‌دانید؟

بحران معرفتی

در درس پنجم درباره‌ی رویکرد معرفتی – علمی فرهنگ غرب پس از رنسانس، مطالبی آموختید. آیا آن رویکرد را به یاد دارید؟ غرب معاصر چگونه از آن بحران علمی – معرفتی عبور کرد و با چه بحران علمی – معرفتی جدیدی مواجه شد؟

در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و به موازات آن، شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس این روش معرفتی، مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید.



■ در قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و با هر نوع روش علمی دیگر مقابله جدی می‌شد.

جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، به سوی نوعی روشنگری پیش رفت که جایگاه وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده می‌انگاشت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده می‌کرد. شناخت عقلی جدید نیز بیش از دو سده دوام نیاورد. به همین دلیل در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی قلمداد شد.

در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند تا درباره‌ی حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره‌ی جامعه بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی، به آن رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند. جامعه‌شناسی قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانست، آگاهی‌ها و علوم دیگر جوامع را غیرعلمی می‌خواند و براساس همین باور نیز حضور استعماری غرب در دیگر جوامع را برای خود و دیگران توجیه می‌کرد. بدین ترتیب غرب با ترویج معنای علم مدرن، این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه‌ی دیگر فرهنگ‌هاست.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد. در نیمه‌ی اول قرن بیستم با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داورهای ارزشی دست شست و روشنگری مدرن به امور طبیعی محدود شد. در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه

علم تجربی دارای مبانی غیر تجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت. همچنین آشکار شد که علوم تجربی در صورتی که از مبادی و مبانی مختلف استفاده کنند، صورت‌های متفاوتی خواهند داشت. بنابراین علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

پرسش از مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت پرسش از بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق آن بود. با این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بُعد ظاهر شد:

● افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست مدرن

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم صورتی تجربی پیدا کرده بود و بر اساس آن، شناخت غیر تجربی، علمی قلمداد نمی‌شد ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به معرفت‌های غیر تجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند چراکه از اصول جهان مدرن عبور کرده‌اند و به فراسوی آن راه برده‌اند.

● ناسازگاری بین ابعاد معرفتی با نیازهای اقتصادی و سیاسی جهان غرب

متفکران پسامدرن هنگامی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده و نیازمند علمی بود که حضور جهانی خود را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را ندارند.

ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش به این حضور نیاز دارد، بعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

فرهنگی که توان معرفتی لازم را برای دفاع از ابعاد گسترده اقتصادی و سیاسی خویش نداشته باشد به حیوان فر توتی می‌ماند که به رغم جثه عظیم خود زمین گیر و آسیب پذیر شده باشد.

بحران معنویت

در فرهنگ غرب بار دیگر گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند و عده‌ای از آنها پیروی می‌کنند. بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟ جامعه‌شناسان با چه نام‌هایی از آن یاد کرده‌اند؟ این بحران چه پیامدهایی داشته است؟

در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش‌ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند. سکولاریسم به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هریک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی^۱ جامعه غربی، آن هم در محدوده زندگی خصوصی، همچنان دینی باقی ماند.



■ حضور دین در فرهنگ عمومی جامعه غربی

برخی جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم دین از آخرین عرصه حضور خود؛ یعنی قلمرو فرهنگ عمومی نیز بیرون خواهد رفت اما واقعیت، خلاف این پیش‌بینی را نشان داد. طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه سال‌های پایانی قرن بیستم شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بود. بعضی از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عنوان «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.

مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر آنکه به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ می‌دهد، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به ابعاد دنیوی به بهانه رویکرد معنوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی شکل دیگری از بحران را به دنبال می‌آورد.

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید. بدین ترتیب در پایان قرن بیستم جهان غرب از دویستمین سالگرد انقلاب فرانسه، با سکوتی معنادار عبور کرد.

۱- آن بخش از فرهنگ که همه مردم جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی جامعه را تشکیل می‌دهد.



■ چالش‌های معنوی، اخلاقی و عاطفی، چالش‌های برخاسته از عمق فرهنگ غرب هستند.

- گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از آن جمله:
- برخی از نخبگان جهان غرب را به جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی واداشت.
 - مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.
 - بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید زیرا هنگامی که سکه‌ای اعتبار پیدا می‌کند، بدل‌سازی آن رواج می‌یابد. خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی شده‌ی ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

گفت‌وگو کنید

اجلاس هزاره‌ی ادیان در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم در نیویورک برگزار شد و در آن سران، متفکران و اندیشمندان از ادیان گوناگون جهان، گرد هم آمدند و به بررسی نقش دین در استقرار صلح در جهان پرداختند. به نظر شما چرا نشست‌های مشابه این اجلاس طی قرن بیستم برگزار نشد؟ در این باره گفت‌وگو کنید.

فصل چهارم

بیداری اسلامی و جهان جدید



در فصل اول از چهار مرحله تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های جهان شمول اسلام سخن گفته شد. اسلام در دو مرحله نخست، در مواجهه با فرهنگ جاهلی و استبداد قومی و قبیله‌ای برآمده از آن، فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی را بنا کرد. جهان اسلام در مواجهه با جهان متجدد، مرحله استعمار را از سر می‌گذراند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تنگنای استبداد استعماری عبور می‌کند و بیداری اسلامی را از سر می‌گیرد. جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی به عنوان یک قطب فرهنگی و تمدنی ظاهر می‌شود، عبور از چالش‌های جهان امروز را به بشریت نوید می‌دهد و با مخاطب قرار دادن فطرت الهی تمامی انسان‌ها، مقدمات شکل‌گیری جهانی توحیدی را فراهم می‌آورد.

● اهداف فصل چهارم

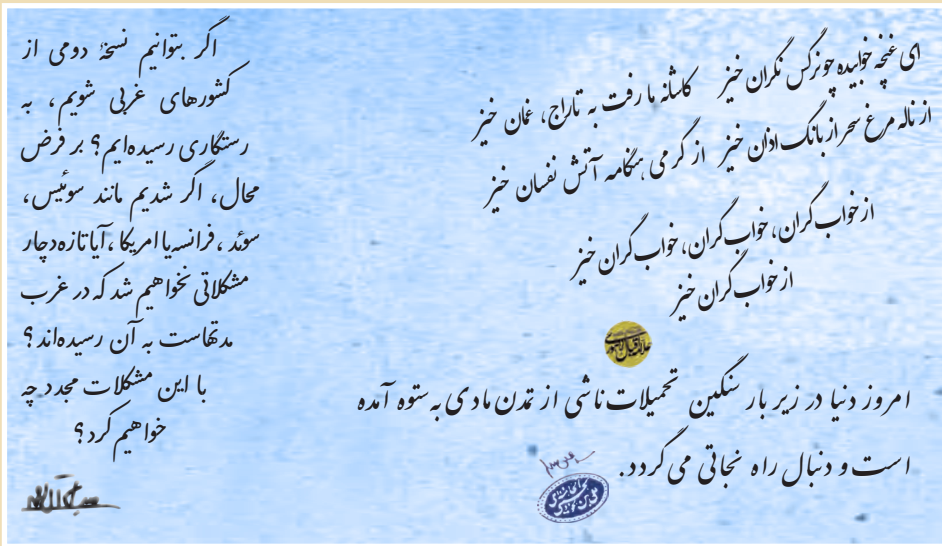
انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت یاددهی یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. بتواند درباره‌ی نخستین جریان‌های اجتماعی در جهان اسلام که در مواجهه با جهان غرب پدید آمدند، با دیگران بحث و گفت‌وگو نماید، شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان‌ها را تشریح کند و رویکردهای متفاوت این جریان‌ها به غرب را بررسی کند.

۲. با مقایسه‌ی انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های اجتماعی پیش از آن در ایران و هم‌زمان با آن در سایر نقاط دنیا، به جایگاه و رسالت انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و جهان معاصر پی ببرد و انقلاب اسلامی ایران را نقطه عطف بیداری اسلامی بداند.

۳. انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران را از این منظر که یکی سرآغاز شکل‌گیری جهان دنیوی و دیگری سرآغاز شکل‌گیری جهان توحیدی است، مقایسه کند، برای تحقق این آرمان بلند انقلاب اسلامی تلاش نماید و دیدگاهی را که آرمان‌ها و ارزش‌های بلند انقلاب اسلامی را ذیل ارزش‌های دنیوی انقلاب فرانسه تعریف می‌کند، قبول نکند.

۴. بیداری اسلامی را راه‌حل بحران‌های جهانی بداند؛ نسبت به سرنوشت بیداری اسلامی احساس مسئولیت کند؛ به شیوه‌های غرب برای مقابله با آن پی ببرد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را بشناسد و برای استفاده مطلوب از فرصت‌ها و عبور از محدودیت‌ها چاره‌اندیشی کند.



درس سیزدهم سر آغاز بیداری اسلامی

آغاز شکل گیری هر پدیده اجتماعی اغلب هیجان انگیزترین لحظه آن است. لحظه ای سرشار از بیم، امید، شگفتی، تنش و دلهره. سرآغاز پدیده اجتماعی، شفاف ترین و بی پرده ترین لحظه آن نیز به شمار می رود و به همین دلیل اطلاعات قابل توجهی را از آن پدیده در اختیار ما می گذارد. سرآغاز، گویی بذر و نطفه ای است که سرگذشت و سرنوشت پدیده را به طور خلاصه در خود دارد.

برای پی بردن به اهمیت آغازها به اولین روز آشنایی خود با افرادی که امروز از بودن با آنها بسیار احساس راحتی یا ناراحتی می کنید، ببندیشید.

بیداری اسلامی نیز سرآغازی دارد.

جهان غرب ابتدا با سطحی ترین و ظاهری ترین لایه های هویتی خود با سایر جهان های اجتماعی از جمله جهان اسلام مواجه شد و بیش از هر چیز، وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه های عمیق و عمیق تر آن از چشم اعضای سایر جهان ها مخفی ماند. این امر بر چگونگی مواجهه جهان های اجتماعی دیگر و اعضای آنها با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت.

از ابتدای رویارویی جهان اسلام با غرب متجدد، جریان های فکری و اجتماعی متفاوتی در جهان اسلام شکل گرفت. جریان هایی که برداشتشان از دافعها و جاذبهها، دشمنان و دوستان، دردها و درمان های پیش رو، شباهت ها و تفاوت هایی داشت. نخستین جریان های اجتماعی که در این مواجهه شکل گرفتند، کدامند؟ شباهت ها و تفاوت های آنها چه بود؟

نخستین بیدارگران اسلامی

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

خاور همه مانند غبار سر راهی است یک نالهٔ خاموش و اثر باخته آهی است
هر ذره این خاک گره خورده‌نگاهی است از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

فریاد ز افرنگ و دلاویزی افرنگ فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز

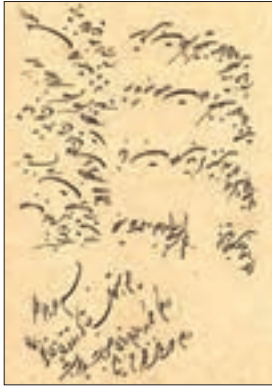
از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

اولین بیدارگران در جهان اسلام چه کسانی بودند، چه ویژگی‌هایی داشتند و چقدر با فرهنگ غرب آشنا بودند؟

نخستین رویارویی‌های غرب متجدد با جهان اسلام هنگامی رخ داد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، علی‌رغم رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

«فقاہت» و «عدالت» دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی، اغلب در حاشیة مناسبات قدرت‌های قومی، مهجور باقی مانده بودند. دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنن دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان و رجال سیاسی جوامع اسلامی را مرعوب و شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.



■ نشریه‌ای دربارهٔ خودباوری مسلمان و مبارزه با استعمار که سیدجمال‌الدین اسدآبادی با همکاری محمد عبده در پاریس منتشر و در ده‌ها کشور آسیایی و افریقایی توزیع می‌کرد.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به وجود آوردند.

حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، حرکت اصلاحی امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران و اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این حرکت‌ها در جهان اسلام است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.

- به دنبال اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.

- بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.

- بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی یا تشکیل قدرت واحد اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.

بیدارگران نخستین، به رغم رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، آشنایی عمیق با فرهنگ غرب و ابعاد دنیوی آن نداشتند. آنها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند. برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به سنت‌های اسلامی را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند قدرت جوامع غربی به این دلیل است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.

محمد عبده شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر است و این سخن منسوب به اوست: در شرق مسلمانان را دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب اسلام را دیدم و مسلمانان را ندیدم. این سخن را تحلیل کنید و نظر خود را درباره آن بیان نمایید.

منورالفکران و روشنفکران غرب‌گرا

با شکل‌گیری استعمار و نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی، جریان اجتماعی دیگری، موازی نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت. نسل اول این جریان به «منورالفکران» و نسل دوم آن به «روشنفکران» شهرت یافتند. این جریان با بیدارگران اسلامی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت؟ تشابه و تفاوت نسل اول و دوم این جریان اجتماعی چه بود؟

به موازات نخستین بیدارگران اسلامی، گروه دیگری در جوامع اسلامی پیدا شدند که شیفته غرب بودند. این گروه — که بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند — نیز خود را بیدارگر می‌دانستند اما برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند. آنان در ایران، اومانیسیم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه کردند و به همین دلیل خود را منورالفکر خواندند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از نخستین لژهایی بود که منورالفکران در ایران تأسیس کردند. منورالفکران غرب‌گرا ویژگی‌هایی داشتند:

- نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.
- مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.
- برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند؛ بلکه راه نجات را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.
- منورالفکران غرب‌گرا مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند و این دولت‌ها به کمک آنان توانستند از موفقیت حرکت‌ها و جنبش‌هایی که توسط بیدارگران اسلامی در حال شکل‌گیری بود، جلوگیری کنند.

منورالفکران غرب‌گرا که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند؛ در نهایت با حمایت کشورهای غربی، حکومت‌های سکولار را در جوامع خود تشکیل دادند.



■ اقدامات غرب‌گرایانه و ناسیونالیستی آتاتورک: کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها نداشت. قدرت آنها وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتکا به این قدرت، اقدام به از بین بردن مظاهر دینی و اسلامی، حذف ساختارهای اجتماعی پیشین و ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید می‌کردند.



■ دیدار رضاخان و امان... خان، با آتاتورک و تأثیرپذیری آنها از نوسازی به شیوه غربی آتاتورک

آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان‌الله‌خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت‌های سکولاری‌اند که آرمان‌های منورالفکران غرب زده را با حمایت دولت‌های غربی دنبال می‌کردند.



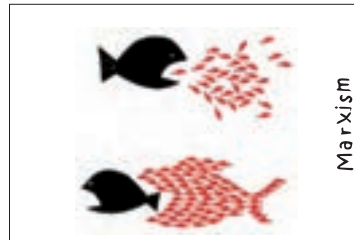
دربارهٔ فعالیت‌های اسلام ستیزانهٔ رضاخان و چهره‌های منورالفکری که در کابینه‌های او حضور داشتند، گفت و گو کنید.

■ علی‌منصور، محمدعلی فروغی، مصطفی قلی‌بیات، علی‌اکبرداور و محمود جم و دیگرانی همچون تیمور تاش، سردار اسعد بختیاری و ... در کابینه‌های رضاخان حضور داشتند.

رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری است. استبداد استعماری به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل مطابق منافع این کشورها، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می‌سازد و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کند.

در هم ریختن نظم پیشین به بهانهٔ رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام می‌شود؛ اما در عمل، این کشورها به جای رسیدن و نزدیک شدن به کشورهای غربی، همچنان خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را دارند. این مسئله اعتراض برخی از نخبگان این کشورها را که به غرب چشم دوخته‌اند، به دنبال می‌آورد.

شکل‌گیری جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی نیز به نوبهٔ خود، بر ذهن و اندیشهٔ غرب‌گرایان کشورهای اسلامی تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب، نسل دومی از غرب‌گرایان در این کشورها پدید می‌آید که با اعتراض به حرکت‌های سیاسی نسل اول می‌نگرد. این نسل با عنوان روشنفکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می‌شوند. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام‌ستیزی آنان نیست، بلکه از نوع اعتراضاتی است که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.



روشنفکران چپ، حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دادند. برخی از آنان، حرکت‌های اجتماعی‌شان را آشکارا به صورت مکاتب غیرتوحیدی مطرح می‌کردند و برخی دیگر از روبرویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند؛ حتی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، نوعی روشنفکری التقاطی^۱ چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت‌های بلوک شرق قرار می‌گرفت. تا هنگام فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند به عنوان یک جریان اجتماعی تأثیرگذار حضور داشت. با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهانی، این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

مطالعه کنید

درباره سرانجام جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در ایران مطالعه کنید.

۱- از ویژگی‌های اساسی اندیشه صحیح آن است که اجزای آن دارای انسجام‌اند. از این‌رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد، به دیده شک و تردید نگریسته می‌شود. اندیشه التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌های از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف گردآوری می‌شوند و به‌صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند. برخی جریان‌ها، عقاید اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آنها و به‌صورتی ناسازگار درهم ادغام می‌کنند. معمولاً افراد و جریان‌های اجتماعی که به اعماق یک مکتب و فرهنگ اصیل دسترسی ندارند، در دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی به تفکر التقاطی پناه می‌برند.

خلاصه کنید

– منورالفکران غرب‌گرا، بیداری را در عبور از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنای کردند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم اساسی

نخستین بیدارگران اسلامی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

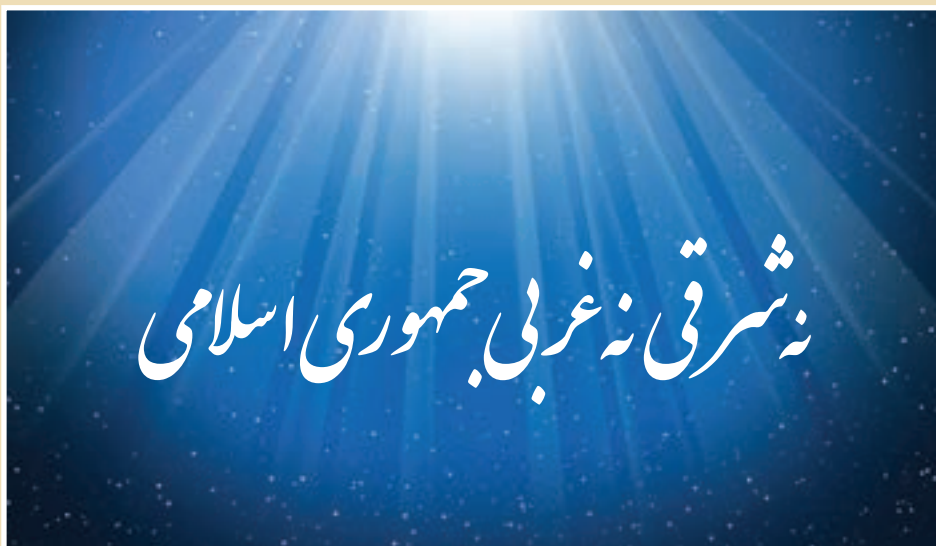
.....

.....

.....

.....

.....



درس چهاردهم انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطف بیداری اسلامی

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است.»

(وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی علیه السلام)

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی متمایز از دیگر جنبش‌های اجتماعی داشت و با همه جنبش‌های اجتماعی که پیش از آن در ایران رخ داده بود یا هم‌عصر با آن در سایر نقاط دنیا وجود داشت، متفاوت بود. آیا می‌دانید این ویژگی‌ها کدام‌اند؟



■ انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود و تمامی انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌داد.

انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام، حرکت‌ها و جنبش‌هایی ایجاد کردند. جنبش عدالتخانه و تنباکو دو نمونه از این جنبش‌ها در ایران هستند. درباره این دو جنبش چه می‌دانید؟ چرا جنبش‌های اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی در ایران متوقف شد؟

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت^۱ قاجار به وجود می‌آوردند. قاجار با شمشیر ایل قاجار به قدرت رسیده بود و تعامل عالمان شیعی با آنها بر مدار مقاومت منفی بود.

در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حدّ واجبات نظامیه انجام نمی‌شود. منظور از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای اصل زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی. هنگامی که دولتمردان قاجار - به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری - به جای مقاومت در برابر بیگانگان به قراردادهای استعماری روی آوردند، مقاومت منفی به سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر کرد. منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.



■ نمایندگان دوره‌های نخست مجلس شورای ملی



■ حضور فعال مردم در جنبش تنباکو به تبعیت از علما

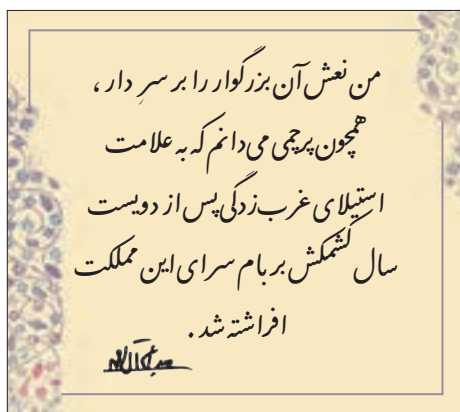
۱- برای پی بردن به تفاوت رفتار حاکمان و ساختار حکومت، یک گروه اجتماعی مانند تیم فوتبال را در نظر بگیرید. در هر گروه اجتماعی، افراد، نقش‌ها و روابط میان نقش‌ها وجود دارند. به روابط میان نقش‌ها یا روابط میان مجموعه‌های نقشی ساختار می‌گویند. افراد، نقش‌ها را اجرا یا به تعبیری بازی می‌کنند. یک نقش را افراد مختلف می‌توانند به شیوه‌های متفاوت اجرا کنند. برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر، برخی با پایبندی بیشتری به حقوق و تکالیف نقش و برخی با پایبندی کمتر. در تیم فوتبال اگر بازیکنی نقشی را به خوبی انجام ندهد، می‌توان از او خواست تا نقشش را بهتر انجام دهد و اگر نتوانست، می‌توان او را تعویض کرد اما برای مثال نمی‌توان از یک بازیکن فوتبال انتظار داشت که نقش یک بازیگر تئاتر را ایفا کند. اگر چنین انتظاری وجود داشته باشد، باید در ساختار بازی فوتبال تغییر ایجاد کرد.

حرکت رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکت اصلاحی بود. آنها تلاش می‌کردند تا برخی رفتارهای پادشاهان قاجار را اصلاح نمایند. جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است. این تجربه موفق، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به سوی اصلاح ساختار برد و به جنبش عدالتخانه منجر شد.

هدف جنبش عدالتخانه تنها اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود؛ بلکه اصلاح شیوه زمامداری شاه بود. این جنبش - با توجه به شرایط داخلی و خارجی - در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد تا در چارچوب این قوانین عمل کند.

این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌ساخت. البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، این نوع حاکمیت نیز آرمانی نبود بلکه فساد آن از استبداد کمتر بود و ظلم را کنترل می‌کرد. به همین دلیل تنها در شرایطی که تحقق حاکمیت آرمانی و مشروع، امکان نداشت، پذیرش آن ممکن بود.

جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد، یک انقلاب اجتماعی بود. با اوج‌گیری جنبش عدالتخانه، منورالفکران غرب‌زده به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانه انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز ضمن استقبال از همراهی منورالفکران، این نام را پذیرفتند اما معنای مشروطه در نظر عالمان دینی با منورالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منظور منورالفکران از مشروطه نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان بود.



مجلس از نظر منورالفکران مشروطه‌خواه، محلی نبود که در آن، قوانین بر مدار احکام شریعت تدوین شود بلکه محلی بود که در آن، قوانین بر اساس اراده و خواست بشر تنظیم می‌شد. در جریان انقلاب مشروطه، نزاع و رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا

به وجود آمد که پس از دو دهه کشمکش، با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان، به نفع جریان منورالفکران پایان یافت. حاکمیت منورالفکران در ایران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

بخوانیم و بدانیم

قدرت و قدرت اجتماعی

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی، هنگامی پدید می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

مقبولیت و مشروعیت

قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیرگذاران بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است: تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید دارای مقبولیت است و قدرتی که بر اساس شریعت و موافق حکم خداوند است دارای مشروعیت می‌باشد. مدار مقبولیت خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود و مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت. هنگامی که قدرت بر خلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت باشد، قدرت مقبول ولی غیرمشروع است. در یک جامعه دینی قدرت نامشروع نمی‌تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.

سیاست و نظام سیاسی

هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است. هر جهان اجتماعی، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

با توجه به جدول زیر مقاومت منفی، فعالیت رقابت آمیز اصلاحی و انقلاب اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کنید.

نمونه تاریخی	ویژگی	فعالیت اجتماعی - سیاسی
تدوین رساله‌های جهادیه	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	مقاومت منفی
جنبش تنباکو	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	فعالیت رقابت آمیز اصلاحی
جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه	تغییر ساختار سیاسی	انقلاب اجتماعی

انقلاب اسلامی

رهبران دینی بعد از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت. انقلاب اسلامی ایران چگونه به وجود آمد و چه تفاوتی با انقلاب مشروطه داشت؟

بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و نیم قرن از حاکمیت پهلوی گذشته بود که انقلاب اسلامی ایران رخ داد. امام خمینی علیه السلام انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه در حاشیه دولت‌های غربی در جایگاهی امن قرار گرفته بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.



■ دیدار ارتشبد طوفانیان معاون وزیر جنگ حکومت پهلوی با موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل جهت همکاری مشترک نظامی

■ حزب توده از سازمان یافته‌ترین گروه‌های سیاسی چپ و مخالف شاه بود که با سرکوب گسترده از سوی حکومت پهلوی روبه رو شد.

امام خمینی به‌عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیت رقابت‌آمیز، گرچه با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد، ولی در حد یک حرکت اصلاحی رفتار یا ساختار متوقف نشد و به‌صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.

حاکمیت آرمانی دینی، در اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعی، حاکمیت الهی است که به‌وسیله پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام تحقق پیدا می‌کند و در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌فرجه اجرای روشمند احکام الهی، وظیفه کسانی می‌شود که هم آگاه و عالم به احکام و شرایط اجرای احکام باشند و هم به آگاهی خود عامل باشند.

مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را بر کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. آنها قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا با حمایت دولت‌های استعمارگر به‌دست آورده بودند، عالم به عدالت نبوده و عمل به عدالت نیز به قدر کافی در شخصیت آنها نهادینه نشده بود. به همین دلیل، مشروطه در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی ممکن به نظر نمی‌رسید، در مقایسه با نظام استبدادی ترجیح داده شد.

انقلاب اسلامی ایران، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینه نزدیک به صدسال تجربه تاریخی انجام می‌شد؛ تجربه رقابت با منورالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

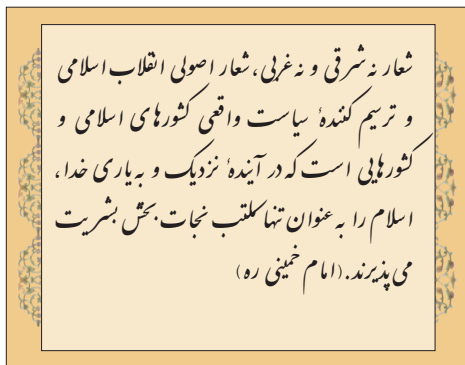
گفت‌وگو کنید

درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران گفت‌وگو کنید

مقایسه انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آزادی‌بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است. در این قرن انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در افریقا، آسیای جنوب شرقی و امریکای لاتین شکل گرفتند. انقلاب اسلامی ایران با این انقلاب‌های آزادی‌بخش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، همگی جهت‌گیری ضد استعماری داشتند. انقلاب‌های آزادی‌بخش در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند و انقلاب ایران نیز به دنبال تغییر یک نظام سیاسی وابسته به دولت‌های غربی بود.



اما انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش این قرن تفاوت‌هایی دارد:

- انقلاب‌های آزادی‌بخش در جهان دو قطبی قرن بیستم، اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق واقع می‌شدند. ولی انقلاب اسلامی ایران در رویارویی با رژیم شاه به بلوک شرق وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضد امریکایی و ضد صهیونیستی را در کنار موضع‌گیری ضد مارکسیستی خود اعلان کرد. شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» ناظر به همین مسئله بود.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. برخی از نیروهای چپ در جامعه ایران نیز با الگو گرفتن از جنبش‌های آزادی‌بخش به دنبال حرکت‌های چریکی بودند. شاه توانست همه این حرکت‌ها را سرکوب کند اما انقلاب اسلامی ایران با حرکت یک گروه و حزب خاص پدید نیامد بلکه یک انقلاب فراگیر مردمی بود که از عمق روابط مردم با مرجعیت و رهبری دینی پدید آمد و همه اقشار و گروه‌های جامعه را در بر گرفت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتبی شکل می‌گرفتند که برای حل مسائل و بحران‌های جهان غرب به وجود آمده بودند و از نوع نظریه‌های چپ بودند ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و تعلق به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب نداشت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند و از فردای پیروزی، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهره استعمار نو باز می‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند اما انقلاب اسلامی

ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب، قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب را پشت سر گذاشت، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی و تمدنی را به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.



بیندیشید

برای یک شباهت و چهار تفاوت انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش، پنج عنوان مناسب انتخاب کنید.

ببینیم و بدانیم

برای شناخت بیشتر جنبش‌های آزادی‌بخش که در قرن بیستم در کشورهای جهان سوم رخ دادند، مستند "ناگفته‌های تاریخ آمریکا" را ببینید.



درس پانزدهم افق بیداری اسلامی

خانهٔ دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکتی کرد

رهگذر شاخهٔ نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت نرسیده به درخت کوچه باغی است

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ سر به در می‌آرد

در صمیمیت سیال فضا خش‌خشی می‌شنوی

کودکی می‌بینی رفته از کاج بلندی بالا جوجه بردارد از لانهٔ نور

و از او می‌پرسی خانهٔ دوست کجاست؟

(سهراب سپهری)

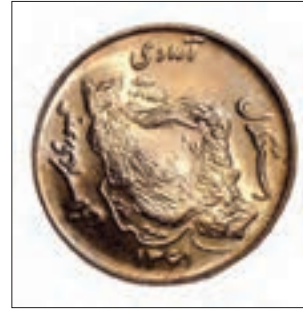
اینکه گفته‌اند هر چیز که در جستن آنی، آنی؛ یعنی ارزش هر فرد، گروه، جریان، جنبش، انقلاب و جامعه‌ای را بلندای همت او و آنچه از زندگی می‌خواهد معلوم می‌کند. از افق بیداری اسلامی چه دورنمایی، برای بشریت دست‌یافتنی می‌شود؟ بی‌شک بیداری اسلامی، تغییر موقعیت ملت‌ها و کشورهای پیرامونی، در نظام جهانی سلطه را اوج همت خویش نمی‌بیند، تنها آرمان بشر را صلحی که بی‌توجه به عدالت است، نمی‌پندارد؛ بیداری اسلامی از افق جهان متجدد به عالم نمی‌نگرد تا در تنگنای جهان سکولار و چالش‌ها و بحران‌های ذاتی آن متوقف گردد؛ بیداری اسلامی، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌داند؛ نوع بشر را مخاطب خود قرار

می‌دهد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را در محدودهٔ رسالت خود می‌بیند.
دستاوردهای بیداری اسلامی چیست؟ غرب برای مقابله با بیداری اسلامی چه اقداماتی انجام داده است؟
انقلاب اسلامی ایران بر جریان بیداری اسلامی چه تأثیراتی داشته است؟

نخستین انقلاب

برخی دانشمندان علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را نخستین انقلابی می‌دانند که پس از انقلاب فرانسه در سطح جهانی اتفاق افتاده است. این گفته به چه معناست؟ چرا چنین تعبیری از انقلاب اسلامی ایران می‌شود؟

در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس نسبتی که با یکی از دو قطب جهان؛ یعنی بلوک شرق و غرب داشتند، شناسایی می‌شد. جایگاه جنبش‌ها و انقلاب‌ها و میزان اهمیت آنها براساس دوری و نزدیکی به یکی از این دو قطب مشخص می‌گردید. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت اما چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد. اگر انقلاب اسلامی به بلوک شرق و جریان‌های چپ نظر می‌داشت، مانعی را که امریکا در مرزهای جنوبی شوروی با حمایت از نظام سیاسی وابستهٔ پهلوی، ایجاد کرده بود، فرو می‌ریخت و فرصت جدیدی برای شوروی پدید می‌آورد. از نظر دولتمردان امریکا، انقلاب اسلامی به دلیل اینکه ارتباطی با بلوک شرق برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت نداشت، نمی‌توانست تداوم یابد و دیر یا زود، بار دیگر، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد. دولتمردان غربی با این نگاه به انقلاب اسلامی ایران، ابتدا از عمق حادثه‌ای که اتفاق می‌افتاد، غافل بودند. آنها انقلاب را با موازین فرهنگ غرب می‌سنجیدند حال آنکه انقلاب اسلامی ایران از متن فرهنگی دیگر برمی‌خاست. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی نبود که در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های سکولار جهان غرب تعریف شده باشد؛ بلکه انقلابی بود که از متن فرهنگ اسلامی و برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق از دست رفتهٔ امت اسلامی شکل می‌گرفت. بر این اساس، انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتاد زیرا هیچ یک از انقلاب‌ها پس از انقلاب فرانسه، یک انقلاب جدید نبودند بلکه همه در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.



■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به وجود آمده بودند. این انقلاب ابتدا در خاستگاه خود، فرانسه، گرفتار مشکل شد اما به‌زودی به‌صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰م و ۱۸۴۸م حیاتی مجدد یافت و همه کشورهای اروپایی را فراگرفت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه نیز، گرچه با دیگر انقلاب‌های اروپایی به‌دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی تفاوت داشت ولی به‌دلیل خصلت سکولار خود، درون فرهنگ غرب قرار می‌گرفت. دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم^۱ نیز، تقلیدی بدلی از انقلاب‌های مدرن بودند. فرهنگ‌هایی که در دوره استعمار، مقهور و مرعوب جوامع غربی شده بودند، چالش‌های خود را از نگاه نظریه‌پردازان غربی تفسیر می‌کردند و راه حل آن چالش‌ها را نیز در پیوستن به جوامع غربی می‌دیدند.

اما انقلاب اسلامی ایران، الگوی رفتاری خود را از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی گرفت و متناسب با آن عمل کرد. این انقلاب از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران‌ها و چالش‌های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت عبور از بحران‌های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.

گفت‌وگو کنید

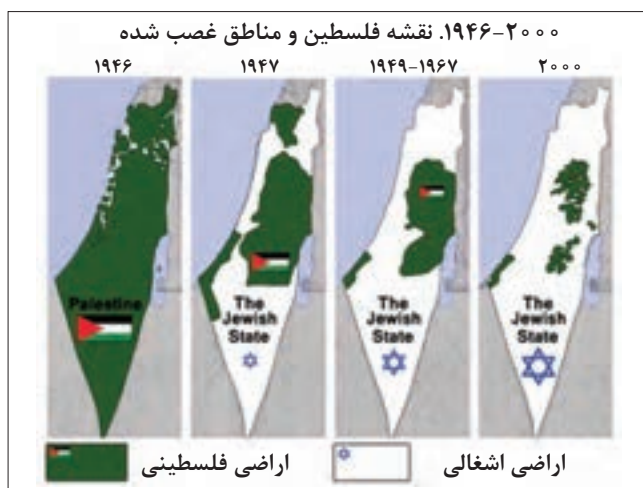
به نظر شما مهم‌ترین شباهت و تفاوت انقلاب فرانسه با انقلاب اسلامی ایران چیست؟

۱- مانند جنبش‌ها و انقلاب‌های ۱۹۲۱م مراکش، ۱۹۳۰م لیبی، ۱۹۴۱م لبنان، ۱۹۴۴م سوریه، ۱۹۴۷م پاکستان و ۱۹۴۸م چین.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب مسائل و مشکلات جوامع خود و جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می‌دیدند؛
در رویکرد اول، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب‌ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود.
در رویکرد دوم، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که لیبرالیسم غربی به وجود آورده بود. کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی به مبارزه با غرب سیاسی می‌پرداختند.
وقوع انقلاب اسلامی، افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. انقلاب اسلامی چه تأثیراتی بر جهان اسلام داشته و مهم‌ترین تأثیر آن کدام است؟

تا پیش از انقلاب اسلامی، هر یک از ده‌ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان با گرایش به یکی از دو رویکرد گفته شده، در حاشیه بلوک شرق یا غرب قرار می‌گرفتند و چگونگی برخوردشان با مسائل مهم جهان اسلام از جمله مسئله فلسطین، تحت تأثیر قطب‌بندی مزبور بود.
برخی کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب بودند، دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند و با در جهت سازش با آن گام برمی‌داشتند و برخی دیگر که زیر نفوذ بلوک شرق بودند، جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می‌دادند. گروه‌های مبارز فلسطینی ناگزیر به بخش اخیر ملحق می‌شدند. برخی از این گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و بعضی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.
گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود، جایگاهی برای اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند و گروه‌های ناسیونالیستی، اسلام را به‌عنوان پدیده‌ای عربی می‌پذیرفتند.



فلسطین یکی از عرصه‌های تقابل بلوک شرق و غرب شده بود. دولت اسرائیل با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی امریکا و کشورهای اروپایی وابسته به بلوک غرب تجهیز می‌شد و جبههٔ مقابل با سلاح‌های روسی می‌جنگید.

بعد از مرگ جمال عبدالناصر، در زمان انور سادات، دولت مصر که تا پیش از آن مظهر ناسیونالیسم عربی بود در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسئله موقعیت گروه‌های فلسطینی را تضعیف کرد.

انقلاب اسلامی ایران، الگوی نوینی را در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. اهمیت انقلاب تنها در این نبود که مهم‌ترین قدرت حامی اسرائیل در منطقه یعنی شاه را ساقط کرده بود، بلکه در راهکاری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می‌داد.



■ راهپیمایی روز قدس در کشورهای مختلف اسلامی

انقلاب اسلامی با بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی، مسئلهٔ اسرائیل را به عنوان مسئلهٔ جهان اسلام مطرح می‌کرد. بازگشت به اسلام، اولاً مشروعیت قرارداد کمپ دیوید را در باور مسلمانان، مخدوش کرد؛ ثانیاً مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع اعتقاد اسلامی و با تکیه بر ایمان به خداوند و قدرت الهی آغاز کرد.

از میان برداشته شدن انور سادات توسط اسلام خواهان مصر و شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبههٔ نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰م این کشور، نمونه‌هایی از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.



مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، سلسله جنبش‌ها و انقلاب‌های گسترده مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ ه.ش است که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شده است. وقوع این انقلاب‌ها، سه دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران نظیر همان وقایعی است که چهار دهه پس از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد. دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی معرفی کنند و آن را بهار عربی نامیدند. اما این انقلاب‌ها حکایت از بیداری اسلامی دارند. به همین دلیل غرب برای انحراف این انقلاب‌ها با تمام توان خود وارد عمل شده است. نخستین بیدارگران در جهان اسلام، اندیشمندان و عالمانی بودند که برای حفظ استقلال و عزت جهان اسلام به دنبال اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی بودند اما امروزه بیداری اسلامی، حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جهان اسلام است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی، الگوی جدیدی را در برابر امت اسلامی قرار داده است. اگر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، این جوامع به سوی نظامی حرکت خواهند کرد که فارغ از قدرت‌های قومی و قبیله‌ای بر مدار فقاقت و عدالت، سازمان می‌یابند. امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود، تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل را برای آینده کشورهای مسلمان ترسیم می‌کند.



■ امروز مهم‌ترین نیاز جهان اسلام، اتحاد و انسجام اسلامی است.

بخوانیم و بدانیم

امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامهٔ سیاسی - الهی خود خطاب به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان می‌نویسد:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پا خیزید و حق را با جنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپردهٔ آنان نترسید و حکام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و دشمنان اسلام عزیز تسلیم می‌کنند را از کشور خود برانید.

خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.

به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ تفاوت حرکت اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی با حرکت‌های اخیر بیداری اسلامی گفت‌وگو کنید.

مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیای فکر اسلامی را بردوش گرفتند - از قبیل سید جمال الدین، محمد اقبال و دیگران - با هم خدمات ارزمند و کران سایشان، هکلی این نقض بزرگ را در کار خود داشتند که بجای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، بیک دعوت اسلامی اتقا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را زبا قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنگران و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته مدوح و مأجور بوده و هست. اما مرکز از آن، توقع شدی همچون نتیجه عمل پیامبران اولوالعزم را - که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده اند - نباید داشت.



جغرافیای فرهنگی جهان جدید

دنیای دو قطبی قرن بیستم چگونه فرو ریخت و جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان جدید چگونه به وجود آمد؟ قطب‌های اصلی این جهان کدام‌اند؟

انقلاب اسلامی با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد، آرمان‌ها، ارزش‌ها و مسئولیت و رسالت خود را به حلّ چالش‌های جامعه ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد. انقلاب براساس آموزه‌های اسلامی، از عزت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می‌کرد، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می‌دانست، فطرت الهی همه انسان‌ها را مخاطب پیام خود قرار می‌داد و حلّ مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را رسالت خود می‌دید.

امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای که برای گورباچوف - آخرین صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی - نوشت، با استفاده از حکمت مشاء و اشراق به اشکالاتی اشاره کرد که در محدود کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد. ایشان ضمن پیش‌بینی فروپاشی بلوک شرق، از آنان خواست تا برای عبور از همه بحران‌ها، به سوی آموزه‌های اسلام گام بردارند و بدین منظور نخبگان خود را برای فراگیری حکمت و علوم اسلامی به ایران بفرستند.



■ برپایی نماز جماعت و مراسم مذهبی و چاپ قرآن با الفبای سیریلیک در کشورهای پسا شوروی یادآور پیام امام به گورباچف است که با مادی‌گرایی نمی‌توان بشریت را از بحران به‌در آورد.

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌هایی که داشت، حضور و تأثیرات جهانی خود را فراتر از مرزهای جهان اسلام نشان داد. بحران‌های عمیق معرفتی و معنوی جهان غرب و چالش‌های مربوط به آن با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی فرصت بروز و ظهور یافتند. این انقلاب که مستقل از ارزش‌ها و آرمان‌های جهان غرب شکل گرفت، شاهدهی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیر غربی بود. انقلاب اسلامی در شکل‌گیری یا گسترش اندیشه‌های پسامدرن به‌وجود آمدن، رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در جوامع غربی از دست رفتن اعتبار، ارزش‌ها و آرمان‌های بعد از رنسانس، و شکل‌گیری نظریه‌های ناظر به افول سکولاریسم مؤثر بود.

انقلاب اسلامی ایران راه نوینی را فراروی کشورهای جهان سوم قرار داد. این مسیر جدید، موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را درهم ریخت و قطب‌بندی جدیدی را به جهان تحمیل کرد. جهان غرب پس از پی‌بردن به عمق حادثه و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، سلسله اقدامات مستمری را در مقابله با آن انجام داده و مقاومت ایران اسلامی در برابر هریک از آن اقدامات، موقعیت جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورده است.

کودتای نوژه و هشت سال جنگ تحمیلی از نخستین تلاش‌هایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران انجام شد.



■ اعتراف رسانه‌های غربی به کمک تسلیحاتی غرب به عراق

■ ارسال نیروی نظامی از سوی سایر کشورها به عراق برای تقویت جبهه عراق علیه ایران؛ وجود بیش از ۲۰۰ نظامی غیرعراقی در میان اسرای عراقی

جنگ ایران و عراق با همه جنگ‌های قرن بیستم متفاوت بود. در این جنگ، تمامی کشورهای بلوک شرق و غرب، علیه ایران متحد شدند. تسلیحات روسی، امریکایی، فرانسوی، آلمانی و... و دلارهای نفتی کشورهای عربی در خدمت ارتشی قرار گرفته بود که آغازگر جنگ بود. این در حالی بود که ایران برای تهیه ابتدایی‌ترین تجهیزات از جمله سیم خاردار، تحریم شده بود.



■ سردشت، دومین شهر قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی در جهان پس از هیروشیما

مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دهه نخست، موقعیت بلوک شرق را به عنوان تنها رقیب بلوک غرب متزلزل ساخت و موقعیت جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد. کشورهای غربی در نخستین نظریه‌پردازی‌های خود به دنبال آن بودند تا فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا کنند. نظریه پایان تاریخ فوکویاما^۱ همین معنا را القای کرد. اما موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی آن بر این نظریه خط بطلان کشید.

اذعان به حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام از سوی برخی نظریه‌پردازان غربی، با عنوان جنگ تمدن‌ها مطرح شد. این نظریه ضمن اعتراف به شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی تمدنی، اولاً با طرح دیگر تمدن‌ها در عرض تمدن اسلامی، جایگاه برجسته و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می‌گرفت؛ ثانیاً با طرح جنگ تمدن‌ها، رویکرد خصمانه جهان غرب را به جنبش‌های اسلامی، توجیه می‌کرد و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم، نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می‌گرداند.

اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایط فعلی که ابعاد جهانی پیدا کرده نیازمند مناطق پیرامونی است. انباشت ثروت جهان در دست جمعی اندک، جز با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی انبوه آدمیان ممکن نیست. دنیای غرب، صرف‌نظر از بحران‌های معرفتی و معنوی خود، برای تأمین نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر از مقابله با حرکت مستقلی است که در

۱- او فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق و غلبه نظام لیبرال دموکراسی غرب را پایان مبارزات عقیدتی - سیاسی بشر می‌پندارد و نظام لیبرال دموکراسی را محصول نهایی تاریخ بشر می‌داند که برای آن جایگزین بهتر و مناسب‌تری قابل تصور نیست.

جهان اسلام شکل گرفته است و به این منظور فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:
● مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.



■ نظامیان امریکایی در عراق و افغانستان

- محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می‌شود.
- تبلیغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای اشباع خلأ معنوی فرهنگ غرب.
- تصویرسازی خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌دهی جریان‌های تروریستی وهابی.
- تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام امریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- مدیریت جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.



■ اسلام هراسی در غرب



■ استقبال آبی‌یک از تصویب تحریم‌های ضدایرانی

در سنای امریکا

تأمل کنید

به نظر شما جهان اسلام در برابر محدودیت‌هایی که جهان غرب ایجاد می‌کند چه فرصت‌هایی دارد؟ درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی جریان بیداری اسلامی تأمل کنید.

خلاصه کنید

–بیداری اسلامی حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است.

مفاهیم اساسی

بیداری اسلامی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

همان گونه که انقلاب فرانسه، سر آغاز شکل گیری یک جهان دنیوی بود؛ انقلاب اسلامی ایران، سر آغاز شکل گیری یک جهان توحیدی است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



منابع

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۸۸) ظهور و افول لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اسپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹) انحطاط غرب. ترجمه هوشنگ ایرانی. نشریه فلسفه، کلام و عرفان. شماره ۳
- افروغ، عماد (۱۳۹۳) اسلام و جهانی شدن. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- افروغ، عماد (۱۳۸۱) رنسانسی دیگر. تهران: انتشارات کتاب آشنا.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷) ما و جهانی شدن. تهران: انتشارات سوره مهر.
- امین، سمیر (۱۳۸۹) اروپامداری. ترجمه موسی عنبری. تهران: نشر علم.
- امین، سمیر (۱۳۸۲) سرمایه داری در عصر جهانی شدن. ترجمه ناصر زرافشان. تهران: نشر آگه.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۱) بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد وحدت در سایه بیداری اسلامی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۸۰) افول سکولاریسم. ترجمه افشار امیری. تهران: مؤسسه نشر پنگان.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۹) حدیث پیمان‌ه. قم: دفتر نشر معارف.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۱) هفت موج اصلاحات. تهران: انتشارات فر اندیش.
- پرتو، امین (۱۳۹۱) موانع تحقق بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.

- ترنر، برایان (۱۳۸۴) رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه محمدعلی محمدی. تهران: شرکت نشر یادآوران.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ در عصر جهانی شدن. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱) جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی — سیاسی ایران. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) اسلام و محیط‌زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸) ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۷) نظم‌های کهنه و نوین جهانی. ترجمه مهبد ایرانی طلب. تهران: نشر نی.
- حسینی بهشتی، سید محمدرضا (۱۳۷۹) فرانسیس بیکن و بحران طبیعت. فصل‌نامه فلسفه. شماره ۱
- حنفی، حسن (۱۳۸۹) علم غرب‌شناسی چیست. ترجمه جنان سید عبدالمناف الحلو. قم: نشر ادیان
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸) صحیفه امام، جلد ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۳) درباره غرب. انتشارات هرمس.
- رابرت، مارک و همکاران (۱۳۸۴) جهانی‌سازی، چالش‌ها و راهکارها. ترجمه سید هادی عربی و همکاران. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- رینولدز، چارلز (۱۳۸۶) وجوه امپریالیسم. ترجمه سید حسن سیف زاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ژبژک، اسلاوی (۱۳۹۳) نقد باورهای مغرب زمین. ترجمه کیوان آذری. اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- سو، آلوین (۱۳۹۴) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲) فرهنگ و امپریالیسم. تهران: نشر توس.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۶) نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کچوئیان، حسین (۱۳۹۱) انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ. تهران: انتشارات سوره مهر.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷) نظریه‌های جهانی شدن و دین. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهن، لارنس (۱۳۸۸) متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲) جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- گنجی ارجنگی، عبدالله (۱۳۸۸) موج سوم بیداری اسلامی. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- گنون، رنه (۱۳۸۸) بحران دنیای متجدد. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی و کارون بردسال (۱۳۸۶) جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴) علل گرایش به مادیگری. تهران: انتشارات صدا.

- نجفی، موسی (۱۳۹۱) نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲) انسان و طبیعت. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- واعظی، حسن (۱۳۸۱) استراتژی سلطه. تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، حسن (۱۳۸۸) استعمار فرانو، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۸۰) تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب جامعه شناسی ۲ - کد ۱۱۱۲۲۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	نسرین عزیزبان	کردستان	۱۹	عزیزاله علی زاده	گیلان
۲	صدیقه خلیلی بروجنی	البرز	۲۰	بیژن کار دوست	همدان
۳	بهروز نوروزی	آذربایجان شرقی	۲۱	سهیلا دباغی	همدان
۴	زهرا دانش پژوه	مرکزی	۲۲	صغری یعقوب زاده	خراسان جنوبی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۳	حسن مومنی	ایلام
۶	طاهره شیخ زهدی	کرمان	۲۴	ژاله فاضلی	کرمانشاه
۷	غلامعلی مرادی	خراسان جنوبی	۲۵	احمد قنبری	مرکزی
۸	ایرج ابراهیمی	زنجان	۲۶	سجاد پناه پور	کهگیلویه و بویراحمد
۹	سولماز فیض الله زاده	البرز	۲۷	مصمص مهدی پور	خوزستان
۱۰	حسین عبادالهی	هرمزگان	۲۸	نسرین حسنی	اردبیل
۱۱	صفدر اسماعیلی فارسانی	چهارمحال و بختیاری	۲۹	شعبان ولی زاده	ایلام
۱۲	محمد حسین کاوه یزدی	یزد	۳۰	معصومه احمدی	بوشهر
۱۳	نیره قاضی مومن	سمنان	۳۱	زینب محمدی	خراسان شمالی
۱۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۳۲	سلیمان نسترن بلداجی	چهارمحال و بختیاری
۱۵	محبوبه پورشفیعی	کرمان	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۶	خدیجه رضایی	تهران (شهرستان‌ها)	۳۴	ایمان رضاییان	مازندران
۱۷	رحیمه شقاقی	زنجان	۳۵	فرشته کاظمی	شهر تهران
۱۸	ابراهیم حسنی	فارس	۳۶	شمس الدین کریمی	شهرستان‌های تهران

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.
دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری